

نابود باد جنگ؛ مرگ بر خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال سوم
تیرماه ۶۶ - شماره ۳۷

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

بحران درون رژیم اوج می گیرد

بنیاده شورای ملی مقاومت

به مناسبت ششمین سالگرد تأسیس شورا

طی ماههای خرداد و تیر اسامی رویدادهای مهمی که حاکی از شدت ناسیسی سابقه تفادهای درونی رژیم بود، اتفاق افتاد. انحلال حزب جمهوری اسلامی، ملاقات نمایندگان مجلس ارتجاع با خمینی منع اشته جمعه برای کاندیداتوری مجلس (۹ تیر ۶۶) ملاقات منتظری با اعضا، شورای نگهبان ۱۵ خرداد ۶۶، منع سازمانهای سیاسی، مذهبی جهت معرفی کاندیدا برای سراسر ایران و ۰۰۰ بهترین اسامی رویدادها می باشد. فصلجانی در ملاقات نمایندگان مجلس ارتجاع با خمینی از جلا د جازان خواستار دخالت فعالتر در امور می شود. فصلجانی بطور صریح اعلام می کند که بجز خمینی هیچکس قادر به حل و فصل اختلافات درون هیئت حاکمه نیست.

تفادهای درون رژیم که با نزدیک شدن انتخابات مجلس، شدت بیشتری می یابد و جناح فصلجانی می گویند تا مخالفین دولت و اکثریت مجلس را بیشتر ایزوله نماید، در شرایط کنونی با شدت تمام به اوج خود رسیده و با کسرتن مبارزه انقلابی مسلحانه

در صفحه ۲

رژیم خمینی و حداقل حقوق کارگران

روز شنبه ۹ اسفند ماه ۶۵ ضوابط مربوط به حداقل دستمزد کارگران در سال ۶۶ از سوی مقامات وزارت کار رژیم اعلام گردید. مهم ترین مسئله ای که در این رابطه اعلام شد، افزایش ۴ تومان حقوق بود دستمزد کارگران است. وزارت کار رژیم لیبلا برای هر کارگر ۷۴ تومان دستمزد تعیین کرده بود. بعد از اعلام این موضوع، اکنون دستمزد هر کارگر بطور " قانونی " ۷۶ تومان است.

ساستهای رژیم در زمینه های مختلف از جمله در زمینه اعتدالی بطور روز افزون بحران را تشدید می کند. در کنار بیگاری عظیم مملوونها ایرانی از کارگر گرفته تا دبیلندهای بیگار و دانشجو و دهقانان آواره شده به شهرها که در حاشیه شهرها و حاشیه تولید بر می روند، نرخ تورم روز بروز افزایش می یابد. سیاست پولی رژیم هم که هر بار منجر به چاپ تعداد زیادی اسکناس بی پشتوانه و در نتیجه افزایش نرخ تورم می گردد، قدرت خرید اولیه ترین احتیاجات زندگی را کاهش می دهد و قیمت کالاها هر روز بالاتر می رود، در اینجا به نسبت نگاهی به قیمت چند کالای ضروری مصرفی بیاندا رژیم تا عمق این بحران نمایانتر گردد.

در صفحه ۴

هم میهن عزیز،
نیروهای رزمنده مقاومت،
هواداران و پشتیبانان شورای ملی مقاومت،
ششمین سالروز تأسیس شورای ملی مقاومت، که با سی و پنجمین سالگرد قیام ملی ۲۰ تیر ۱۳۴۱ همزمان است، فرصت مناسبی است تا ترانامه یک سال گذشته ی مقاومت و رژیم ضد بشری خمینی را از نظر بگذرانیم. چرا که در واقع، رویدادهای یک سال گذشته، هم برای جنبش مقاومت و هم برای دشمنان ضد بشری، اهمیت تعیین کننده داشت.

از هم کسبکنکی کامل سیرازبی کشور، فروپاشی اتحاد، نامودی تولید و وخامت روز افزون وضع

دیدار مسئول شورا با رئیس جمهور عراق

مقاومت ایران تبریک گفت و آنرا ارتشی که برای صلح مبارزه می کند نامید. متقابلا مسئول شورای ملی مقاومت برای صلح و آزادی، روز ملی عراق و جشن های ۱۷ تا ۲۰ ژوئیه را به رئیس جمهور عراق تبریک گفت.

در این دیدار منشی ریاست جمهوری و نایب رئیس دفتر جنبش های آزادیبخش در شورای فرماندهی انقلاب عراق و آقای مهدی ابریشمی عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران حضور داشتند.

شهر روز چهارشنبه ۱۷ تیرماه آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت با رئیس جمهور عراق آقای صدام حسین در بغداد دیدار و گفتگو نمود. در این مذاکرات در باره ی اوضاع منطقه و بخصوص سیاست جنگ افزورانه ی خمینی تبادل نظر بعمل آمد. طرفین ضمن محکوم کردن جنگ طلبی رژیم در مانده ی خمینی، بر ضرورت استمرار صلح و حسن همجواری میان ملت های ایران و عراق تأکید کردند.

همچنین در این دیدار، رئیس جمهور عراق نایب ارتش آزادیبخش ملی ایران را به رهبر

تشنج خلیج فارس و رژیم خمینی

در حال حاضر جو متشنج خلیج فارس همچنان در محافل سیاسی و خبری جهان مورد بحث و بررسی بوده و بازتاب گسترده ای در صحنه سیاست بین المللی دارد. زیرا که منطقه خلیج فارس بعنوان یک آبراه مواصلاتی میان کشورهای منطقه خاورمیانه و دیگر کشورهای جهان که ماده ای حیاتی همچون نفت از آن عبور داده میشود در زمره مناطقی استراتژیک و پر اهمیت جهان محسوب می گردد. جنگ ۷ ساله ایران و عراق باعث شده که بزرگترین خطرات متوجه کشتی رانی بین المللی در آبهای خلیج فارس شود که در طول این مدت بیش از ۳۰۰ کشتی مورد حمله طرفین قرار گرفته اند. طبق اخبار رسانه های رژیم، نیروهای تخصصی از جانب رژیم به عنوان مدافعان خلیج فارس راهی منطقه و این نیروها روز ۷ تیر ماه در آبهای ناحیه خلیج فارس یک ماسور گسترده انجام دادند و بدین طریق آمادگی خود را جهت انجام مأموریت های ویژه اعلام داشتند. سران رژیم خمینی در مورد مدافعان خلیج

در صفحه ۱۱

در این شماره:

۲۰ خرداد قیام برای رهایی

اهمیت دوم صفحه ۱۰

بیاد رفیق کبیر حمید اشرف

صفحه ۸

رژیم و مسأله دانشگاه

صفحه ۱۴

خلق کرد و خدمات جمهوری اسلامی

صفحه ۷

تکراف منول شورای ملی مقاومت ایران
بدریس جمهوری پاکستان

صفحه ۷

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

بحران درون رژیم اوج می‌گیرد

از صفحه ۱

شدت و حدت بیشتری می‌یابد. این تضادها که در عرصه ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی، جریبان دارد، هم بعلمت ماهیت رژیم ولایت فقیه، و هم بعلمت تضاد آشتی ناپذیر توده‌های مردم و مقاومت انقلابی مسلحانه با رژیم ارتجاعی خمینی، تضادهایی در مان ناپذیر و هر روز شدت باز هم بیشتری می‌یابد. در زمینه ایدئولوژیک، ولایت فقیه، اساساً سیستم پذیر نیست. ولایت فقیه، یک سیستم بحران زا و آتارشی است. در ولایت فقیه، تشکل اساساً جایی ندارد. "حزب" ولایت فقیه، "حزب الله" است، این "حزب" که بدون مانیفست و اساسنامه است تنها با فرمان ولی فقیه، حرکت میکند. هیچگونه ابتکاری در آن جایی ندارد و نیروهای "حزب الله" باید مجریانی چشم و گوش بسته باشند. اما ولایت فقیه بهر حال باید در زمین پیاده شود و نمی‌تواند از تضادهای موجود در جامعه خود را کنار بگذارد. بدین ترتیب است که در درون هرم ولایت فقیه تضادهای بیشماری شکل می‌گیرد. مهمترین نمود این اختلافات در عرصه ایدئولوژیک، دو برداشت از "فقه" است. برداشت "سننی" و برداشت "پراگماتیستی". جناح مخالف دولت و رفسنجانی از "فقه سننی" دفاع می‌کند. ساله اجتهاد در فقه شیعه، تضاد بر سر این دو برداشت از تشدید می‌کند. در زمینه سیاسی مهمترین و اساسی‌ترین اختلاف در درون حکومت، ساله جانشینی خمینی است. پس از بی ابرو کردن منتظری و بی خاصیت کردن خامنه‌ای، رفسنجانی بدرج در صدد قبضه کردن قدرت بدست خود است. رفسنجانی، که در گذشته عملاً پشت منتظری قرار داشت، اکنون خود صحنه گردان تمام مسائل است. در ساله جانشینی نیز دو نظر در درون حکومت وجود دارد. عده‌ای از یک "رهبر" دفاع می‌کنند و عده‌ای از "شورای رهبری" تشکل از سران باند های درون رژیم. در زمینه اقتصادی نیز دو نظر اساسی در درون حکومت وجود دارد. عده‌ای از عدم دخالت دولت در اقتصاد و بحال خود گذاشتن اقتصاد برای رقابت آزاد دفاع می‌کنند و عده‌ای از دخالت موثر دولت در امور اقتصادی دفاع می‌کنند. نخست وزیر و اکثریت مجلس وابسته به جناح دوم هستند و روزنامه رسالت و اکثریت شورای نگهبان از جناح اول، باید توجه داشت که در درون حکومت، نمیتوان دو جناح بنسبی کامل و متحد، پیدا کرد. بلکه در درون هر جناح که بیشتر بصورت دو فراگروه عمل میکنند، باندها و دسته بندیهای متعددی وجود دارد.

همچنین در خارج از دو فراگروه جریبانی وجود دارد که بر سر اساسی ترین مسائل، با یکی از دو جناح خود را هماهنگ میکند. در این دسته بندی، خامنه‌ای ظاهراً وابسته به هیچکدام از جناحها نیست. ولی وی ضمن حفظ روابطی با جناح دولت، با مخالفین دولت نیز روابط نزدیک دارد. جناح غالب که گرداننده اصلی آن رفسنجانی است و دولتیست موسوی نیز وابسته به این جناح است، اکثریت مجلس و کابینه را بخود اختصاص داده است. این جناح با احمد خمینی نزدیکترین رابطه را داشته و خمینی

از کانال پسرش ابن جناح را تقویت می‌کند. مهمترین مبره‌های وابسته به این جناح عبارتند از: محسن رضایی (فرمانده سپاه) - علی اکبر محتشمی (وزیر کشور) - سراج الدین موسوی (فرمانده کمیته‌ها) - محمد هاشمی (رئیس رادیو و تلویزیون) - سید محمد اصغری (مسئول روزنامه کیهان) - محمد خاتمی (وزیر ارشاد) - صمیعی (معاون نخست وزیر) - اکرمی (وزیر آموزش و پرورش) - بهرام نبوی (وزیر صنایع) ابوالقاسم سرحدی زاده (وزیر کار) - ریشه‌پری (وزیر ساواله) - کمال خرازی (سرپرست ستاد تبلیغاتی جنگ) - آخوند مائعی (از فقهای شورای نگهبان) فعالین این جناح در مجلس عبارتند از: احمد عزیزی (رئیس کمیسیون امور خارجی مجلس) رضوی (نماینده تبریز) - حسن روحانی (رئیس کمیسیون دفاع) - فواد کریمی - حاشی زاده - سید محمد گباش - کبیری - رسول منتخب نیا - سید حسن قلمبری - جلالی و صد شجاعیان

جناح مخالف که به جناح راست مشهور هستند از "فقه سننی" دفاع می‌کند. این جناح در شورای نگهبان، حوزه‌های قم و بازار اکثریت دارد. این جناح مخالف دولت موسوی است و در مقابل تضاد موسوی با خامنه‌ای، از خامنه‌ای دفاع میکند. خامنه‌ای که چه بطور مستقیم وابسته به این جناح نیست اما در مقابل تضاد کیهان رفسنجانی و دولتیست موسوی دارد. از این جناح حمایت‌هایی میکند. روزنامه رسالت ارکان این جناح است. باند ارتجاعی حقیقه که فعلاً بعضی عناصر آن از دولت کنار گذاشته شده‌اند، با این جناح همکاری میکند. همچنین باند ضد انقلابی وابسته به دکتر طابری و باند مدوم با این جریان کار میکند و از کانال "احمد گانجی" با این جریان مربوط بود. مهمترین عناصر این جناح عبارتند از:

آخوند آذری قمی (نماینده مجلس و مسئول روزنامه رسالت) - آخوند محمد بردی (نایب رئیس مجلس) - رئیس کمیسیون قضایی مجلس و ماحب اعتبار مجله نور علم از حوزه قم - آخوند ناطق نوری (نماینده مجلس - وزیر سابق کشور) - آخوند خزعلی (عضو فقهای شورای نگهبان - وی نماینده خمینی در انجمن حقیقه بود) - آخوند عثمایی (سرپرست دفتر تبلیغات حوزه قم) - آخوند صفایی (از چهره‌های معروف فقه سننی در قم - وی کسی است که در زمان شاه در رد کتاب شهید جاوید مطالب نوشته است) آخوند شرعی (عضو مدرسین حوزه قم و عضو سازمان تبلیغات اسلامی) - آخوند راستی (عضو بنیاد رسالت و نماینده خمینی در باند فاشیستی موسوم به سجاهدین انقلاب اسلامی) - آخوند ربانی (مجلسی از مبره‌های مهم رژیم و عضو سابق شورای نگهبان) سید محمد خامنه‌ای (نماینده مجلس) - ابدالله بادامجیان (نماینده مجلس) - فهم گرمایی (نماینده مجلس) - زواره‌ای و سید مرتضی نبوی (از گردانندگان روزنامه رسالت) - علی نقی خاموشی (رئیس اطاق بازرگانی و صنایع معادن) - بازاربان کردن کلفست و از سران باند های بازار مثل عسکرا و لادی - پور استاد شفیق، حاجی سعید امینی و لاجوردی که اینها مدتی گرداننده کامل زندان اوین بودند - علی اکبر پسرورش و احمد توکلی (از وزرای سابق)

پس از افتای مسافرت ملک فارلین به ایران تعدادی از نمایندگان مجلس وابسته به این جناح شامل سید احمد حسینی سیر جانی - ابوطالب محمودی - مهدی طباطبائی - جلال الدین لاریجانی - کمال الدین نیکروش - حسینعلی نجفی زهرانی - فهم کرمانی و اسرائیلیان وزیر امور خارجه را مورد سوال قرار دادند که با دخالت خمینی عقب نشینی کردند.

چند نکته دیگر را باید در مورد جناح بندی های درون حاکمیت در نظر گرفت. یک نکته آنکه، جناح منتظری که با جناح اول بود، پس از پیروش رفسنجانی به منتظری و جانشیناری خامنه‌ای از رفسنجانی، عملاً همسویی هایی با جناح دوم میکند. بطور مثال منتظری در ملاقات روز ۶۶/۳/۱۵ با اعضای شورای نگهبان گفت: "احترام به شورای نگهبان یک امر ضروری است و نباید بگذاریم خدای ناکرده به سر نوشت علمای تراز اول در مردم قابسون مشروطه مبتلا شود" (رادیو رژیم ۶۶/۳/۱۵)

همچنین محسن رفیق دوست به اتفاق معساون و مسئولین گروه های معاونت صنایع خودکفایی وزارت سپاه در روز ۶۶/۳/۱۷ با منتظری ملاقات کردند. کاملاً با معنی می‌باشد. نزدیکترین افراد باند منتظری در جریان دستگیری مهدی هاشمی با دستگیر و با کنار گذاشته شدند. اما منتظری هنوز از وجود عناصری مثل عباس دوزدوزانی اوزیر سابق سپاه و نماینده فعلی مجلس و امید نجف آبادی استفاده میکند. نکته دیگر اینکه باند های افراطی و فاشیستی که در خود رژیم به جناح به اصطلاح "چپ" معروف هستند، روز بروز ضعیف تر میشوند. ارکان سیاسی این جریان که هنوز مقاومت میکنند، "دلفسر تحکیم وحدت" است که پس از انحلال باند موسوم به "مجاهدین انقلاب اسلامی" و دستگیری سید مهدی هاشمی، محل تمرکز عناصر اصلی این باند است. سخنگویان مهم این جریان مهدی مهدی و اصغرزاده هستند. همچنین باند مهدوی کمی. هنوز ظاهراً استقلال خود را حفظ کرده و با در اختیار داشتن "جاسع روحانست" سعی در بهره برداری از تضادهای بین جناحها میکند. این تکتک را نیز باید توضیح دهیم که خامنه‌ای نیز با افرادی مثل ولایتی - محسن رفیق دوست و میر سلیم تغافم دارد. ولایتی فرورزارت امور خارجه افراد زیر را به کرد خود جمع کرده است: منصوره معاون فرهنگی و کنسولی وزارت خارجه (انوانی) مدیر کل سیاسی کشورهای عربی و اریبایی وزارت خارجه - شیخ الاسلام معاون سیاسی وزارت خارجه - علی محمد بشارتی قائم مقام وزیر امور خارجه - جواد لاریجانی معاون وزیر امور خارجه (ولایتی یکی از افرادی است که گاه نگاه محبت از نخست وزیری او بجای موسوی میشود)

با این صف بندی و با توجه به اینکه بحر خمینی شخص دیگری قادر به کنترل تضادهای درونی حکومت نیست و با توجه به اینکه در مواقع حساس، در مقابل خمینی هم بعضی ها ایستادگی میکنند، مخالفت مد نظر از نماینده مجلس ارتجاع با نخست وزیری موسوی علیرغم توصیه صریح و شدید خمینی مسعود موسوی) و در مجموع بعلمت بحران انقلابی و بی‌دستی های رژیم خمینی و خملت بحران زانی دستگاه ولایت

اخبار کوتاه

از صفحه ۱۲

خود با رژیم خمینی را قطع نمود. بدنیال کشف شرکت وحید گرجی دیپلمات تروریست رژیم خمینی در عملیات تروریستی در فرانسه، دولت فرانسه خواستار بازجویی از وحید گرجی گردید. با امتناع وی، بحرانی در روابط بین دولت فرانسه و رژیم خمینی بوجود آمد. دولت دست راستی فرانسه پس از روی کار آمدن تلاش بسیار برای عادی کردن روابط با رژیم خمینی نمود. دولت فرانسه با هر امتیازی که به رژیم خمینی میداد، این رژیم را حارتر مینمود نه فقط گروگانها آزاد شدند، بلکه عملیات تروریستی نیز شدت می گرفت. تا اینکه سرانجام دولت فرانسه تصمیم گرفت که بدون رژیم خمینی را تحت فشار قرار دهد. قطع رابطه با رژیم خمینی که بدنیال امتناع وحید گرجی از مراجعه به دادگستری بوجود آمد. یک اقدام اصولی برای خنثی نمودن اقدامات تروریستی رژیم خمینی می باشد. از طرف آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت تلگرافی به آقای ستران سخا برده شده و در آن از اقدام دولت فرانسه حمایت گردیده است.



خبر زیر در رابطه با فروش اسلحه به ایران و عراق در روزنامه تورنتو استار چاپ کانادا روز پنجشنبه ۱۸ ژوئن ۱۹۸۷ برابر با ۲۸ خرداد ۱۳۶۶ چاپ شده است.

استکهلم (آوشپتیرس) : موسسه تحقیقات صلح استکهلم در گزارشی سالانه خود گزارش داد که حداقل ۲۶ دولت های کشور به ایران و عراق اسلحه فروخته اند. گزارش همچنین اضافه میکند که در برخی موارد دولت ها و سیاست گزاران کنترل خود را بر فروشندگان اسلحه از دست داده و سلاح ها بدون اطلاع دولتها فروخته شده است.

۱۲ کشور از جمله کانادا در لیست کشورهایی که فقط به ایران اسلحه فروخته اند قرار می گیرند و این در حالی است که دولت کانادا رسماً فروش سلاح و کالاهای نظامی به ایران و عراق را ممنوع کرده است. کشورهایی که به هر دو طرف (ایران و عراق) اسلحه فروخته اند عبارتند از: اتریش - بلژیک - برزیل - بلغارستان - شیلی - چین - چکسلواکی - آلمان غربی - فرانسه - آلمان شرقی - یونان - مجارستان - ایتالیا - کره شمالی - هلند - پاکستان - لهستان - پرتغال - افریقای جنوبی - اسپانیا - سوئد - سوئیس - اتحاد شوروی - ایالات متحده آمریکا - انگلستان و یوگوسلاوی.

کشورهایی که فقط به ایران اسلحه و تجهیزات نظامی فروخته اند عبارتند از: الجزایر - آرژانتین - کانادا - فنلاند - اسرائیل - کره جنوبی - لیبی - مکزیک - سوریه - تایوان - ترکیه و ویتنام. کشورهایی که فقط به عراق اسلحه و تجهیزات نظامی فروخته اند عبارتند از: اتیوپی - مصر - اردن و قیپلین.



سالی که نکوست از بهارش بیداست
موسوی نماینده امام خمینکار در منطقه
کردستان در جمع تعدادی از علمای مرتجع عراقی که

بمنظور ارائه راه حل برای رسیدگی به آوارگان و پناهندگان کرد عراقی در سندج صورت گرفته بود، اعلام کرد که "رمز فتح و پیروزی گذشتن از حجابهای قومی و ملی ۰۰۰" است اظهارات این مزدور بار دیگر نه تنها بی اعتمادی رژیم را نسبت به حقوق ملتها به اثبات رساند بلکه خط بطلانی بود بر ادعاهای سران رژیم که در کنفرانس باصطلاح "همیاری ملت عراق" مبنی بر به رسمیت شناختن حقوق "قوم کرد" واقعیت این است که ادعاهای توخالی رژیم در باره به رسمیت شناختن حقوق ملت کرد عراق و با حق تعیین سرنوشت ملت عراق بدست خود تنها در خدمت اهداف ارتجاعی خود بوده و چیزی جز فریب و تیرنگ نیست. عملکرد جنایتکارانه بیش از ۷ سال رژیم خمینی در کردستان ایران بسیار هیچکی و بخصوص خلق کرد عراق که رژیم این همه سنگ دفاع از آنها را به سینه میزند، ابهامی در عدم اعتقاد رژیم خمینی به ابتدائترین حقوق ملتها بر جای نمی گذارد. ما بارها سیاست ارتجاعی خمینی را نسبت به کردستان عراق افشا کرده ایم و بار دیگر اعلام می کنیم که رژیم خمینی بر اساس ایدئولوژی پان اسلامیستی رژیمی توسعه طلب و جنگ افروز است و برای دست یابی به این اهداف منتهانت خود را مدافع حقوق خلق کرد و خلقهای دیگر معرفی می کند. آنچه مسلم است این است که رژیم خمینی یک وجب از خاک تصرف شده را به کسی نخواهد داد، البته اگر تصرفی در کار باشد.

ارتش خلق ساندینیست ها اعلام کرد که پیروزی عظیمی در یکی از بزرگترین عملیات نظامی بر علیه کنتراها کسب کرده است.

نیروهای ۳۰۰ نفره ساندینیست در این عملیات که از تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۷ آغاز شد و تا اواسط ماه به ادامه داشت توانستند قسمت شمال غربی "جینوتکا" را که تعدادی از واحدهای کنترا در آن مستقر بودند پاکسازی نموده و ۸۰۰ تن از شورشیان را از مواضع شان در دهانه رودخانه های "بوکای" و "آماکا" بیرون برانند.

این منطقه یکی از مناطق دور افتاده جنگلی بود که از مدت ها قبل بعنوان یکی از پایگاههای اصلی تدارکات زمینی ضد انقلابیون مورد استفاده قرار میگرفت.

وزیر دفاع نیکاراگوئه آقای هامبرتو اورنگا در یک صحابه مطبوعاتی در روز ۱۳ ماه به اعلام نمود که از آغاز سال ضد انقلابیون ساختن استحکاماتی را در منطقه آغاز نموده بودند که این امر بوسیله عوامل اطلاعاتی ارتش کشف شد و لسی تصمیم گرفته شد که تا تجمع تعداد قابل ملاحظه ای از عناصر "کونترا" صبر شود. این عملیات نشان دهنده هماهنگی کامل ارتش خلق بود. ارتش ضد انقلابیون را طی ۳۶ ساعت سرکوب نموده و بر طبق گزارشات ۴۶ ضد انقلابی در مرحله اول عملیات کشته شده اند و ۲۲ جسد دیگر نیز در ۱۲ ماه مه در مرحله دوم عملیات بدست آمده است.

طبق اظهارات آقای اورنگا (وزیر دفاع) در این

عملیات ارتش خلق ساندینیست ها فقط ۸ کشته و ۳ زخمی داشته است. نصف تعداد کشته شدگان خدمه هلی کوپتر (۱۱ - ال - ۱۷) بودند که بوسیله تفنگ مورد هدف قرار گرفت. آقای اورنگا اظهار داشت که طبق تخمین های ارتش، تعداد ضد انقلابیون بین ۶۰۰۰ - ۶۲۰۰۰ می باشد که نصف آنها در درون خاک نیکاراگوئه می باشد.

انگاره به نفس ساندینیستها

طی اقدامی بسابقه ارتش جزئیات عملیات، از اختیارات خبرنگاران و به آنها اجازه داده شد که به از ابتدای عملیات در صحنه نبرد حضور داشته باشند. در پایان عملیات هلی کوپترها و هواپیماها ۸۰ خبرنگار را به پایگاه اصلی ضد انقلابیون کونگرا در دره "بوکای" بوند. پایگاه با توتل های ارتباطی و بناگاهها و آنتنهای مسلسل و برجهای دیده بانی و دیگر تجهیزات کاملاً مجهز شده بود. منابع نظامی پیروزی آنان ساندینیست ها را نتیجه قدرت آتش ساندینیست ها و عدم اعتقاد ضد انقلابیون میدانند. سرگرد سانوئل سالواتیرا که خبرنگاران را همراهی میکرد، گفت که تمام نیروهای کونترا در منطقه تارومار شده اند. بنظر میرسد که بیرون راندن ضد انقلابیون از دره بوکای شکست جدی برای "تهاجم بهاری" ضد انقلابیون بوده است. سرگرد سالواتیرا اظهار داشت که این شکست می بایست به معنی اثری بر افکار عمومی آمریکا در مورد قابلیت نیروی حکومت آمریکا باشد.

منابع خبری داخلی نحوه برخورد "ارتش خلق" را با خبرنگاران خارجی نشانده ای از قدرت ساندینیست ها نه فقط برای مقابله با ضد انقلابیون در صحنه های نبرد بلکه شاید بیشتر در مطبوعات آمریکائی با آمریکا تفسیر کرده اند.

بنظر میرسد اشارات سرگرد "سالواتیرا" بیشتر متوجه مپیمانان آمریکایی است که میگویند "تهاجم بهاری" می بایست اختراع آمریکایی باشد زیرا که نیکاراگوئه بهاری ندارد (فقط بسط یا تابستان است یا زمستان).

نقل از نشریه "گزارش هفتگی آمریکای لاتین" شماره مورخه ۷ خرداد ۶۶ مطابق با ۲۸ مه ۸۷.



مناسبت گرامی داشت ۳۰ خرداد نقطه عطف تاریخی در مبارزه رهایی بخش مردم ایران، از طرف اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان، هوادار سازمان مجاهدین خلق، تظاهرات و اکتیویتی های گسترده ای در اروپا، آمریکا، هندو استرالیا، برگزار گردید. در این تظاهرات و اکتیویتیها که مورد استقبال هم میهنان خارج از کشور قرار گرفت. دهها هزار نفر شرکت کرده بودند. شرکت کنندگان ضمن حمایت از مبارزه مسلحانه انقلابی با شور و شرف از بنیانگذاری ارتش آزادیبخش ملی استقبال نمودند. هواداران سازمان ما در کشورهای آلمان آمریکا، دانمارک، هلند، اسپانیا و فرانسه به شکل فعال در این تظاهرات ها شرکت نموده و با بخش اعلامیه و تراکت، خاطره جانبازیهای شهیدای قهرمان مقاومت انقلابی مسلحانه را گرامی داشتند. متن اعلامیه سازمان که توسط رفقای هوادار در این

رژیم و مسأله دانشگاه

کارگزاران رژیم اعتراف میکنند که بعلمت کمبود بودجه و استاد، ظرفیت پذیرش برای دانشگاه بسیار کمتر از آن تعدادیست که متقاضیان برای ورود به دانشگاه در گنگور سراسری شرکت میکنند. بنا به گفته خودشان فقط ده درصد از متقاضیان میتوانند به دانشگاه راه یابند. این ده درصد نیز باید از کسانی باشند که رژیم انتخاب میکند. همچنین کارگزاران رژیم در امور دانشگاه بارها گفته اند که اولویت برای قبول شدن در گنگور با خانواده "رزمندگان و شهدا" است. بعلاوه سیستم پذیرش بعد از گنگور به این صورت است که هر فرد جدا از امتحانات مربوطه به رشته تحصیلی امتحان بنامش اسلامی نیز دارد، که برای خیلی از شرکت کنندگان گذشتن از سد این امتحان کار بسیار مشکلی است. تازه اگر کسی از این مرحله بگذرد به مرحله دوم امتحانات راه می یابد و در آنجا اکثر کسانی که بنا به رژیم همخوانی نداشته باشند رد خواهند شد. بقول خودشان دانشجوی باید حزب الله و شیعیه باشد. بنا برود به دانشگاه مشکلات تازه ای شروع میشود. در دانشگاه نماز جمعه و دعای کمیل و حجاب اجباری از مسائلیست که حتما باید رعایت گردد. کمیبود خوابگاه نیز که همچنان وجود دارد و خوابگاههای موجود فقط مخصوص کسانیست که از طرف انجمن اسلامی تأیید گردند و کسانی که تأیید نشوند باید خود بدنیاال خانه شخصی بروند.

قبلا گفتیم که تنها ده درصد از شرکت کنندگان در گنگور پذیرفته میشوند و ۹۰ درصد آنها موفق ورود به دانشگاه نمیشوند. پس وضعیت این همه جوان در ایران که هر سال نیز همین تعداد به آنها اضافه میشود چیست؟ برای بهتر روشن شدن قضیه به گفته های خود رفسنجانی استناد میکنیم:

" ۹۰٪ این بندهای خدا باید برن ویلان باشن، سه وقتی بود که کشور ارز داشت میگفت خیلی خوب اینها برن خارج ۰۰۰ حالا اینهم نیست چینی ارزی نیست. وضع کار هم اینجوری نیست که هر کسی نرفت لوری بره سر کار" (همنجا)

پس مشخص شد که ایشان نیز باید به صاف بیگاران در جامعه بیبوندند. سالانه فقط تعدادی معادل ۵۰۰ هزار نیروی جوان تحصیل کرده درون جامعه به بیگاران افزوده میشوند. البته بعد از مدتی تعداد زیادی از همین افراد باید خوراک جنگ خلقی خمینی گردند.

جمهوری اسلامی برای حل مشکل دانشگاه طرح "دانشگاه آزاد اسلامی" را ارائه داد. در دانشگاه آزاد اسلامی بعلمت کمبود بودجه ای که رژیم دارد مانند دانشگاه دولتی مخارج رایگان و دولتی در اختیار دانشجویان گذاشته نخواهد شد و دانشجویان باید خود مخارج تحصیلشان را بپردازند. این دانشگاه مختص به بولدراحت است. دانشجویانی که از طبقات پایین جامعه هستند توانایی رفتن به این دانشگاه را ندارند. خود رژیم اعتراف میکند که توانایی حاضر دانشگاه را ندارد چون این دانشگاه استاد و خیلی چیزها می خواهد که برای دولت بسیار سگراست.

رژیم خمینی و حداقل حقوق کارگران

گوشت کیلویی ۲۲۰ الی ۲۴۰ تومان
برنج کیلویی ۹۵ تا ۱۰۵ تومان
خودکار هر عدد ۱۲ تا ۱۶ تومان
دفتر هر عدد ۲۰ تا ۲۵ تومان

در یک محاسبه و ارزیابی کوتاه خواهیم دید که روز بروز سفره حقیر کارگران و زحمتکش فقیرتر می گردد. اگر یک خانواده کارگری مثلا ۴ نفره را در نظر بگیریم در خواهیم یافت با ۷۲ تومان در آمد چه اندازه می توانند بخورند و چه چیزهایی روی سفره آنها است و با افزودن ۴ تومان چه تغییری در زندگی بخور و نیشترشان ایجاد میشود؟ "بادبان" عضو شورای عالی کار رژیم میگوید: "آمارهای رسمی نشان میدهد که هزینه روزانه یک خانواده کارگری از ۱۴۰ تومان تا ۲۱۰ تومان است، نرخ تورم هم در سال جاری بر اساس آمار بسیار بالاتر از سالهای قبل است. اما با توجه به وضع فعلی به هیچ وجه میسر نیست که این مبلغ به حداقل حقوق اضافه گردد." اما سرمایه داران و "تجار محترم" جسی؟ آیا آنها نیز چنین وضعی دارند؟ آیا اگر "با توجه به وضع فعلی به هیچ وجه میسر نیست که این مبلغ به حداقل حقوق کارگران اضافه گردد" میسر هم نیست که در اختیار تجار "محترم" ارز گذاشته شود؟

صیلمنا خیر. تجار ایران در سانه رحمت رژیم خمینی نه جوی یک پای آید چنان سودی به جیب زده اند که در تاریخ ایران بی سابقه بوده است. مطابق ارقام رسمی بانک مرکزی از مجموع ۹۵ میلیارد دلار درآمد جاری ارزی کشور طی سالهای ۶۶ تا ۶۷ حدود ۴۳ میلیارد دلار و به عبارت دیگر سالانه بطور متوسط حدود ۸ الی ۹ میلیارد دلار ارز در اختیار سرمایه داران بخش خصوصی گذاشته شده است تا سه وارد کردن کالا از خارج بپردازند. هدف از افزودن ۲ تومان به دستمزد کارگران چیست؟ نمیتوان بدین سوال پاسخ گفت مگر اینکه وضع کارگران را از نزدیک مورد بررسی قرار داد، خود کاربدستان رژیم از جمله "بادبان" اعتراف دارند که هزینه روزانه یک خانواده

رژیم در حالی به عدم توانایی در ساختن دانشگاه اعتراف میکند که هر ساله میلیونها تومان از بودجه کشور به جنگ اختصاص داده شده است و اینهم گوشه ای از عواقب مخرب جنگ ارتجاعی است. اساتید دانشگاه نیز اکثرا بر اثر فشار فرهنگی و اقتصادی که رژیم بر آنها وارد آورده به خارج از کشور رفته اند و کمیبود استاد دانشگاه نیز مشکل غیر قابل حلی است. برای رژیم از وضعیت فوق نمیتوان نتیجه گرفت که رژیم به افراد فارغ التحصیل احتیاج ندارد. کارگزاران رژیم برای پیاده کردن طرحهای خود در جامعه به فارغ التحصیلان دانشگاه محتاج هستند. بطوریکه خود آنها اعتراف میکنند، هنگامیکه طرح پنج ساله خود را برای تصویب به مجلس بردند مشخص شد که پیاده کردن این طرح به ۴۰۰ هزار فارغ التحصیل دانشگاه نیاز دارد. اما چه میشود کرد؟ این مشکل اجتماعی را هم خود رژیم مانند دهها مشکل دیگر با خود حمل میکند. این واقعیتی بود از وضع دانشجویان و دانشگاه در رژیم خمینی که اساسا

کارگری (آبم معلوم نیست کدام خانواده، چهسار نفری پنج نفری؟ و یا شش، هفت نفره) ۱۴۰ تومان تا ۲۱۰ تومان است در حالی که تنها ۷۶ تومان درآمد دارند، فشارهای متعددی که بر کارگران تحمیل میشود خواه نا خواه آنها را به حرکات هر چند خود انگیخته و بدون سازماندهی مناسب می کشد. از اینرو رژیم امروز با افزودن ۴ تومان و فردا با افزودن ۲ تومان دیگر و فرداهای دیگر ۰۰۰ می خواهد مبارزات پایهای و مطالباتی کارگران را مهار نماید. نیایسه فراموش کرد که اگر از یکطرف دستمزد کارگران افزایش می یابد از طرفهای دیگری در این زنجیره بهم پیوسته یعنی جامعه سرمایه داری که همه اجزای آن بصورت لاینفک با هم در ارتباطند، این افزایش بصورت افزایش مالیاتهای مختلف جبران می گردد، مثلا افزایش بهای آب، برق و مواد سوختی. رژیم خمینی حامی تجار، کارخانه داران و سرمایه داران است. کارگران باید بدانند که آنچه مضمون اصلی مبارزه آنها است، سرنگونی رژیم حامی تجار و سرمایه داران می باشد. محدود کردن مبارزه برای دستیابی به حقوق بیشتر و رفاه بهتر، آن رسالت تاریخی نیست که بر دوش آنان است. طبقه کارگر میباید زمانی می تواند ثابت کند که از قیام بهمن ۵۷ آسوخته است که خود را در چهارچوب تنگ مبارزه اقتصادی محصور ننماید و مهر خود را بطور مشخص بر تغییر و تحولات آتی ایران بکوبد.

ما در شرایط کنونی، بر بستو بحران انقلابی وظیفه اصلی خود را سازماندهی کارگران ایران در جهت سرنگونی سر آمر رژیم خمینی در شکل تمام میدانیم، گر چه از تلاشهایی که در جهت ایجاد تشکلهای منفی کارگران در جهت دستبازی به اهداف یانه ای و خواسته های مطالباتی شان میشود نیز حمایت میکنیم. آنچه شایان توجه می باشد این است که در شرایط کنونی مرکز ثقل مبارزات کارگران در قیام است نه در خواسته های پایهای و سندیکا و سندوق و تعاونی. بیگمان طبقه کارگر ایران این رسالت عظیم را تا قله پیروزی، استوار بر دوش خواهد کشید.

پس از چهار سال ...
از صفحه ۲

اما بلافاصله هر کدام از آنان همین مصوبات را زیر پا می گذارند. توکل که خود را مدافع مصوبات کنگره اول میدانند، در نشریه کار که اخیرا از جانب او منتشر شده است، مواضعی اتخاذ نموده که کاملاً با آن مصوبات در تناقض است. کافیست به موضوع ارتجاعی و ضد انقلابی اخیرش بیروا بسنجیم. همانطور که توجه کنیم و آنرا با مصوبات کنگره اول مقایسه نماییم، تعداد اشکار این دو موضع گیری، نشان میدهد که توکل همچنان گذشته، با فروغ کوبی و توجیه برانگیزنده در صدد است به کالیبد نگین و تلاش شده باشد تیبیکار اقلیت، روح گذشته را بدمد. با ناسد تلاش شده گامیابی - زهری دیگر با هیچ وسیله ای رونق نخواهد گرفت. این سرنویشت میرت انگسز کسانی است که در مقابل مقاومت انقلابی استادگی می کنند.

تصحیح و بزرش
در نبرد خلق شماره ۳۶ اشتباهی در رویدادهای تاریخی بود که بدین وسیله تصحیح میشود.
۱۳۱۰ - تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به فائسوز سیاه توسط رژیم رضا خان قلندر

با علم و ترقی در تضاد است و همیشه از مبارزات دانشجویان و دانشگاه وحشت داشته است.

ادبیات مقاومت

در گذار از بند



چرکین و زهر آگین
آخرین تیر ترکش دژخیم
از سنگر سیاهی ها
بر سر زمین آستان سحر
شلیک میشوند
چرکین و زهر آگین
همچون نفس سگان مار و هرزه -
آخرین کلام تیره دژخیم
گذر از سرزهای جنایت
گذر از مرزهای رسوایی

آنک
با آخرین تیر ترکش دژخیم
میدان سینه کشوده اند
رزم اوران
با نارنجک هایی بر آن
در حجم تهاجم طوفانی
در سنگر سپیده
در گمین ستم
میدان سینه کشوده اند
رزم جوان فدایی
در حلقه اتحاد سجاد
در گذرگاه راهی

اختناق بارویی است مسلح
در گمین هجوم زندگان
بر چهار ستون خمسه شب
بارویی است مسلح
که در سیکران رزم و فدا
سنگر خواهد شد
صبح بارور نان
بر استخوان های شکسته
خواهد روید

چارود فقر!
چارود اختناق!
چارود شکنجه و کشتار!
آسوی تر از شکنجه
آسوی تر از فقر
آسوی خون ما
سیمای زندگی
دربای بر مظلوم خلق
بر موجهای نان و آزادی
شکوفان است

احمد - الف
فروردین ۶۵

چارود - فرد شوم



بیاد حماسه شکوهمند سی خرداد

در تاریخ کشور ما روزها مفهومی خاص دارند و هر یک بار تاریخی نمیی را بر دوش
میکنند ۱۶ آذر ، ۱۹ بهمن ، ۳۰ تیر ، ۱۱ اردیبهشت ، ۳۰ خرداد ، ۵۵۵ همه و همه
یادآور حماسه هایی فراموش ناشدنی اند و بر تاریخ تاریخ مبارزات خلقهای مهرومان
ایران تا آمد خواهند درخشید . پاسداری از این روزهای گرانبها و یادآوری این
مسامحه همراهِ بزرگداشت بیاد شهیدان کرامتداری که در این قسبل روزها با خون خود
تاریخ ملت ما را وری زده اند یکی از ضرورت های مبارزه انقلابی است . زیرا این تاریخ ، تاریخ ما
تاریخ همه آنهاست که برای آزادی و استقلال مبارزه کرده اند و در راه آرمانهای وائی خود جان
باخته اند . در این مبارزات ، کمونیست و غیر کمونیست ، آرمان جویانی که هر یک سهم خود در تاریخ
انقلاب مبین ما جانی خاص و نایسته دارند ، در کنار یکدیگر برای دموکراسی و رهائی از بند بیگانگان
کوشیده اند و در برابر امپریالیسم و ارتجاع ایستادگی کرده اند و با خون خود میثاق پیروندی مبارک
را با ما رسانیده اند . ۳۰ خرداد یادآور حماسه ار جان کشکی شکر و تحول آمرین رزمندگان -
سجده خلق در برابر دژخیمان ارتجاع حاشم است و در بزرگداشت این روز همین بس که تا تاریخ در -
جریان است نام محاهد و نام حماسه سی خرداد با یکدیگر عجین خواهند ماند . در سی ام خرداد ۱۳۶۰
ارتجاع سبب حاکم با قتل عام صدها تن از فریادان محاهد و انقلابی خلق به همتان میماند که بسا
رناسی مگر کتلوه و با وسیله ای مکرر سزخ نمیتوان با وی سخن گفت . شهر عد انقلابی تنها به پاسخ
دارد شهر انقلابی ، شهر انقلابی و شهر انقلابی . پاسخ تلخ را نباید با کلوله داد و در برابر
تعلک فقط باید نقش بست گرفت . رزمندگان محاهد خلق در این روز تاریخی با نشان صدها شهید
و اسیر بسیار این درس بزرگ را پیشمار دیگر روزها در تاریخ ملت ما با ثبات رساندند و حتی به عقیده
ترین انبار جنبش میماند که تنها بگراه هست راهی که با کلوله تعلک میگردد ، اینک در همتان
سالگرد این حماسه بزرگ و خونین ما ضمن گرامیدانت جانانه شهیدان و یادآوری درسهای گرانبهای
این روز بزرگ بار دیگر با همه رزمندگان آزادیخواه و انقلابی ، خاصه محاهدان خلق تجدید عهد
منکنیم تا زمانیکه دوندوش یکدیگر در صحنه پیشمار علیه ارتجاع و امپریالیسم ایستاده ایم . این
سنگر مقدس و از این پیوند مبارک با جان خود عراست سازیم .
سر فرار و فرود تر باد پیوند مبارزاتی همه رزمندگان ملی - درود بر ومدت فدائی و محاهد
سرتکون باد رژیم ارتجائی خمینی - زنده باد خلق ، آزادی و سوسیالیسم

سجده - پروژه برنامه هویت

واحد فدائی شهید منصور ، اسکندری - خرداد ۶۶

بیانیه شورای ملی مقاومت به
مناسبت ششمین سالگرد شورا

از مسجدها
نیروهای خود و با استعداد از همه "نیروهای قمیسی"
کوشید "حملة سرخوش ساز"ی را که مدتها وعده
می داد . عملی کند ، سلسله عملیات موسوم به
" کربلا" که هدفش درهم شکستن نیروی نظامی عراق
و تصرف شهر بصره بود ، با همه رجزخوانیها و خیال
پردازیهای مطبوعات و سیاستهای جهانی همدست
رژیم ، سرانجام به جایی نرسید و با تحمل تلفاتی
هولناک فروکش کرد . شمار کشتهها و زخمیهای رژیم
تنها در دو تهاجم "کربلای ۴" و "کربلای ۵" به
۱۵۰ هزار نفر برآورد شده است . با شکست این
" حملة سرخوش ساز" رژیم نه تنها به هدف نظامی
خود نرسید ، بلکه در نیل به هدف سیاسیش نیز ، که

جلوگیری از تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی
در کویت بود ، با ناکامی روبرو شد .
افشای روابط پنهانی رژیم با آمریکا و اسرائیل
که بزرگترین رسوایی رژیم منقور و بی آبروی خمینی
در مقیاس جهانی شمرده میشود ، باز هم در همتان
کارنامه سال گذشته ثبت است . افشای این روابط
پنهانی ، که از سوی آمریکا به قصد ایجاد پایگاه
در داخل رژیم ، از طرف اسرائیل به قصد تقویت جبهه
دشمنان فلسطین و از جانب رژیم به قصد تهیه اسلحه
و گسترش جنگ و ویرانی به وجود آمده بود و در
مجموع از شکل گیری يك توطئه جهانی در منطقه
خاورمیانه حکایت می کرد ، نه تنها ماهیت پلید رژیم
و همدستیش با ارتجائی ترین سیاستهای جهانی را
به همه مردم جهان نشان داد ، بلکه با ایجاد بحران
سیاسی در کشورهای ذیربط ، ادامه توطئه را بصر
دچار وقفه ساخت . در ایران ، هر چند با دخالت شخص

خمینی بر این اقتضاح بطور موقت سرپوش گذاشته
شد ، اما از وراء این سرپوش ، تزلزل تعاملت رژیم
و نگرانی شدید سردمداران از بی آمدگی آن بر
کسی پوشیده نماند . ناکام ماندن این توطئه که تنها
امید رژیم به حفظ موجودیتش شمرده میشد ، به ناچار
تضادهای داخل باند حاکم را به حد انفجار رسانید
و نخستین حاصل این انفجار ، بی اعتبار شدن منتظری
و سرکوب بستگان و اطرافیان او به فرمان شخصی
خمینی بود . از آن پس واکنش زنجیره ای فروپاشی
رژیم شتابی بیشتر گرفت و ناکامیهای بیابانی نظامی
و سیاسی رژیم ، به رغم همه اعدادهای قمیسی و آشکار ،
دموای گرگها را بیشتر دامن زد . آخرین و بر معنای
ترین حلقه از این زنجیره ، انحلال حزب جماعتداران
توسط خمینی و بی اعتماد کردن خاصه ای بود که
نشان دهنده اوج بحران سیاسی در داخل حاکمیت
و پیش آگهی انحلال تعاملت رژیم به دست توانای
در مسجدها

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده ای شکست ناپذیر است

بیانیه شورای ملی مقاومت به مناسبت

ششمین سالگرد تأسیس شورا

از صفحه ۵

مردم به جان آمده ایران است.

در يك سال گذشته نیز ، مثل سالهای پیشین رژیم ضد بشری به علت نقض دائم و مستمر حقوق بشر و تجاوز به حقیقات انسانی در مهمترین مراجع بین المللی محکوم شد . این اعلام محکومیتها برای رژیمی که به خاطر بقا از توسل به هیچ جنایتی اسباب ندارد اگر چه دیگر حساسیت چندانی بر نمی انگیزد ، ولی در حکم به صدا در آمدن ناقوس مرگه او در عرصه بین المللی است .

اما مجموعه شکستهای سیاسی و نظامی رژیم در يك سال گذشته ، با همه سنگینی و اهمیتی که داشت ، اگر با اوج گیری و گسترش مقاومت مسلحانه همراه نمیشود ، حیات ننگین رژیم را با خطری حاد و فوری روبرو نمیکرد و رژیم ، با همه درماندگی ، باز میتواند با کمک همدستان بین المللیش این بحران بزرگ را از سر بگذراند . رشد چشمگیر مقاومت در سال گذشته ، همان عامل داخلی تعیین کنندهی بود که تمامی این شرایط نامطلوب را ، که تهدیدی بالقوه برای رژیم تلقی میشد ، به خطری بالفعل و عاجل بدل کرد . این امر تعادلی نبود ، حاصل مستقیم انتقال مقر مسئول شورا به عراق و دخالت بیواسطه او در امر سازماندهی جدید نیروهای مسلح مقاومت بود . بدین ترتیب گردانهای رزمی نیروهای آزادیبخش مجاهد خلق در نوار سرزی ، سلسله عجمهای سابقه خود را به نیروهای وامانده رژیم آغاز کردند و در همان حال ، هستههای رزمنده مقاومت شهری نیز در سراسر خاک میهن ، معنای گسترش آتش مقاومت را به مزدوران رژیم فهماندند ، در برابر این تهاجم غیر منتظره ، رژیم از زمستان سال گذشته ، به بهانه ساختن پناهگاه برای حفظ اهالی از خطر بمباران هوایی ، سراسیمه دست به کار ایجاد سنگرهای خیابانی در شهرها و روستاهای کشور شد تا خود را برای روز محتوم درگیری نهایی مقاومت آماده کند .

اما جنبش مقاومت مسلحانه در مسیر گسترش و اوجگیری خود ، سرانجام میبایست از نقطه عطفی بگذرد و به ابزار مناسبی برای تودهیی کردن جنگ مسلحانه و بسیج تمام نیروهای مردمی که توان و آمادگی روبروایی مستقیم با مزدوران رژیم را دارند ، دست یابد . گذار از این نقطه عطف در روز ۲۰ خرداد سال ۶۶ صورت گرفت و اینکه به حق میتوان ادعا کرد که با اعلام تأسیس ارتش آزادیبخش ملی ، توسط سازمان مجاهدین خلق ایران آخرین گام اساسی در جهت تدارک قیام عمومی برداشته شده است .

مروغ نظر از این گام اساسی در زمینه نظامی ، در عرصه سیاسی نیز شورای ملی مقاومت نه تنها از فعالیت خود در مجامع بین المللی ننگاست ، بلکه با ارادهیی استوارتر در همه جا حاضر بود و در میدان تلاقی دشمن ضد بشری را با ناکامی مواجه ساخت . در زمینه تلاش برای تضمین حقوق دموکراتیک هم میهنان پس از سرنگونی رژیم جبار خمینی ، تصویب طرح آزادیها و حقوق زنان را میتوان بررگترین دستاورد شورا طی سال گذشته دانست . همچنین طی يك سال گذشته ، با بی اعتبار شدن

بحران درون رژیم اوج میگیرد

از صفحه ۲

فقیه ، و نیز بعثت رشد و گسترش مقاومت انقلابی نشادهای درونی حکومت ، نه فقط تخفیف پیدا نمیکند ، بلکه هر روز شدت و حدت بیشتر مییابند و انتخابات آینده مجلس ، مرحله سخت تریستن درگیریها در درون حکومت است . این تضادها همچنین در نهادهای زیر بشدت عمل میکنند .

مجلس ارتجاع - در این ارگان جناح دولت موسوی و رفسنجانی ، اکثریت را در دست دارد . ولی بسا توجه به تجربیات گذشته ، این جناح میکوشد تا در انتخابات آتی ، يك فراقسوم قدرتمند مخالف به مجلس راه پیدا نکند .

شورای نگهبان - در این ارگان جناح مخالف دولست اکثریت را در دست دارد و در ترکیب کنونی اش تضاد بین مجلس و شورای نگهبان همواره شدت مییابد بطوری که شورای نگهبان نقش بازدارنده حرکات مجلس را عملاً برعهده خواهد گرفت .

هیئت دولت - با وجود اینکه اکثریت قاطع هیئت دولت با نخبت وزیر و رفسنجانی توافق دارند ، اما بهر حال بعثت موقعیت ضعیف دولت موسوی ، همواره امکان کنارهگیری ، استعفا و ... وجود دارد .

شورای عالی قضایی - در این ارگان که زیر نظر رئیس جمهور قرار دارد ، رئیس مجلس ، نخست وزیر ، فرمانده سپاه ، فرمانده سپح ، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و سرپرست ستاد تبلیغات جنگ اعضا اصلی اش تشکیل میدهند . تضادهای مربوط به ساله جنگ در این ارگان و شورای عالی دفاع که آهیم زیر نظر رئیس جمهور و شرکت رئیس مجلس ، وزیر دفاع ، فرمانده سپاه و چند امیر ارتش میباشند ، شکل میگیرد . تضادهای بین سپاه و ارتش ، اختلافات بر سر چگونگی پیشرفت کار جنگ و ... در این ارگانها شدت جریان دارد و عموماً با دخالت خمینی حل و فصل میشود .

نشادهای موجود در ارگانهای سرکوب رژیم شامل سپاه ، کمیتهها و ارتش ، در نهاد سپاه و کمیتهها جناحهای مختلف حکومت ، نیروهای خاص خود را دارند . قیل از اینکه پست وزیر کشور را جناح رفسنجانی در اختیار بگیرند و هنگامی که کمیتهها

زیر نظر مهدوی کنی بود ، جناح های مخالف رفسنجانی در سپاه نفوذ بسیار داشتند . به علاوه خامنه ای از طریق عناصر خود ، در سپاه باند خاص خود را داشت . محسن رفیق دوست (وزیر سپاه) که به خامنه ای نزدیک است ، ارگانهای اداری سپاه را در دست دارد . در حالیکه محسن رضایی یکی از نزدیک ترین عناصر باند رفسنجانی است . البته باند های دیگر رژیم ، مثل باند منتظری و باندهای فاشیستی دیگر نیز در سپاه نفوذ دارند . بعد از کنار گذاشتن عباس دوزدوزانی از سپاه و دستگیری مهدوی هاشمی ، موضع منتظری در سپاه بسیار ضعیف شده و اکنون منتظری از طریق رحیم صفوی که یکی از وابستگان به اوست در سپاه اعمال نفوذ میکند .

همچنین خامنه ای میکوشد تا ارتش را بسعمت خود جلب نماید و از موقعیت ارتش برای تضعیف جناح رقیب استفاده کند .

در ارگانهای امنیتی رژیم مثل شورای امنیت کشور ، ساواک رژیم ، جناح رفسنجانی تسلط دارد . در شورای امنیت کشور که رئیس جمهور رئیس آنست ، وزیر کشور ، وزیر دفاع ، فرمانده سپاه و فرمانده کمیتهها شرکت دارند . خود این ترکیب نشان میدهد که خامنه ای چندان قدرت مانور در این ارگان ندارد .

شورای مدیریت حوزههای قم - جامعه مدرسین حوزههای قم و شورای ائمه جمعه ، " جامعه روحانیت " و ... در این ارگانها ، عناصر محافظه کار و مخالف دولت موسوی و رفسنجانی نفوذ داشته و عموماً برای حرکات دولت موسوی ، اشکال تراشی می کنند .

همانطور که گفتیم ، تضاد بین باندهای درون حکومت در تمامی عرصهها و نهادهای حکومتی عمل میکند و هر روز این تضادها ، بدون درمان میشود . اوج گیری این تضادها و انعکاس آن در جامعه ، منجر به آگاهی بیشتر تودهها میشود . رژیم ولایت فقیه ، محسور است هر روز يك جناح و باند را بسود دیگری بنامند و نابود کند . این خود نشان میدهد که راه خروج جامعه از بحران ، از درون حکومت نمیگذرد ، سرنگونی انقلابی این رژیم ارتجاعی و استبداد حاکمیت بردمی ، تنها چشم انداز برای حل انقلابی بحران در جامعه است .



دور کردن مسئول شورای ملی مقاومت از فرایند ترتیب داد . میدان فعالیت و مبارزه سیاسی در سطح بین المللی را از جنگ مقاومت بیرون آورده است . امروز رژیم ، در اوج فلاکت و درماندگی ، جسور وارد آزدن فشار به دولتهای خارجی برای محدود کردن فعالیت سیاسی مقاومت ، جز ارتکاب سیاهترین اعمال تروریستی در کشورهای خارج برای سرکوب کردن ایرانیان از جهنم گریخته ، جز حادثه ساریسبا و ماجراجوییهای ابلهانه دیپلماتیک ، که همه ، در واقع ، از آخرین دست و پا زدنهای يك رژیم رو بسه مرگه خبر میدهد ، توانایی انجام هیچ کار دیگری را ندارد . در سال گذشته رژیم میبداشت با اجیر کردن مزدوران منطقهیی و يك گامه کردن فعالیتهایشان خواهد توانست پایگاههای مقاومت را در نوار مرزی در هم بکوبد و ، برای هزارمین بار ، پایان کسار مقاومت مسلحانه را اعلام کند . امروز ، يك سال پس

در صفحه ۸

کامل بقایای رژیم گذشته در جریان افشای روابط پنهانی رژیم با آمریکا و اسرائیل ، موقعیت و اعتبار شورای ملی مقاومت به عنوان تنها همواره کنونی رژیم و تنها نیروی مردمی که توانایی جانفشانی رژیم رسوای خمینی را دارد ، بیش از پیش تثبیت شد و ائتداد گوناگون آن نیز در اتحاد عمل عینی بسا دشمن ضد بشری علیه مقاومت جز ننگ و استروای بیشتر نصیبی نمیردند .

ما در بیانیهیی که سال گذشته بمناسبت پنجمین سالگرد شورا انتشار دادیم ، به درستی یاد آور شدیم که " سالی که در پیش رو داریم آستان حوادثی است که در تاریخ ملت ما اهمیتی حیاتی خواهد داشت " . اینکه یکسال پس از انتشار آن بیانیه به حاصل این رویدادها بنگریم : سال پیش ، در همین ایام ، رژیم میبداشت که با توطئهیی که برای

خلق کرد و خدمات جمهوری اسلامی

خدمت به مردم محروم این روستاها باشد اقداماتی است که جهت تسهیل استقرار نیروهای نظامی رژیم در روستاها و اطراف آن بکار میرود. امروز در کردستان روستاهایی که نیروهای رژیم در آن حضور داشته باشند مانند گذشته از آب آشامیدنی و برق و غیره محرومند. تازه اگر مردوران به اصطلاح جهاد سازندگی با کشیدن جاده به روستا و یا دادن برق به آنها سرگرم خدمات عمرانی هستند، در مقابل دهها روستای کردستان را با خاک یکسان کرده‌اند و خانه و گاشانه مردم بیکانه را به آتش کشاده و اموال و احشام آنها را غصب نموده‌اند. یکی از خدمات عمرانی رژیم در کردستان در روزهای ۲۲ و ۲۳ خرداد سال ۶۶ انجام گرفت که ما عین همین خبر که از صدای کردستان ایران پخش گردیده است را بازگو می‌کنیم:

"در روز ۱۵ خرداد ۶۶ نیروهای رژیم خمینی در منطقه مهاباد به روستاهای گوخان، لمرنج و قامیش تاوی حمله کرده و این روستاها را به آتش می‌کشند. مردوران خمینی در روزهای ۲۱ و ۲۲ همین ماه با بولدور به روستاهای نامبرده حمله کرده و این روستاها را با خاک یکسان میکنند. آنچه را که رژیم خمینی خدمات عمرانی، رفاهی و فرهنگی می‌نامد بواقع جز با وازه‌های ویرانی، فشار و تضعیفات و فرهنگ غارت و چپاول و جنگ و سرکوب مترادف نیست. و در آخر باید گفت: واقعا از دولت رژیم خمینی تنها جایی که امروز از نظر عمرانی در ایران آباد شده است تنها و تنها گورستانهای سراسر کشور می‌باشد."

روز جمعه ۶۶/۳/۲۰ امام جمعه خاش شهرستان سقز طی سخنانی اعلام کرد که: "گروهکهای شدید انقلاب با دسیسه‌های خود و سوء استفاده از احسانات پالد مردم کرد برای مدت کوتاهی مانع ارائه خدمات عمرانی، رفاهی و فرهنگی به روستاها شدند. اما علیرغم این همه دسیسه چینی‌ها کهکام با همت دلیر مردان سپاه اسلام و برادران ایثارگر جهاد سازندگی توطئه‌های آنها خنثی شد و اکنون مردم مسلمان کردستان شاهد فعالیت‌های عمرانی دولت در روستاهای دور افتاده و محروم منطقه هستند."

حضور چندین ساله نیروهای رژیم در کردستان ثابت کرده است که این "دلیر مردان" هر کجا که رفتند جز ویرانی و بدبختی برای مردم آن منطقه ارمغان دیگری بنیاد نیاورند. نگاهی به جریان‌های که در طی هشت سال حاکمیت رژیم خمینی بوقوع پیوسته، این ادعا را بخوبی ثابت میکند. امام جمعه خاش سقز میگوید که: گروهکها مانع ارائه خدمات عمرانی، رفاهی و فرهنگی به روستاها شدند. همه ملت‌های منطقه و همه خلق‌های تحت ستم ایران میدانند از زمانی که رژیم خمینی بر موج انقلاب سوار شد، کشور ایران نیز رو به ویرانی رفت.

شروع جنگ ایران و عراق عاملی بود که کشور را از نظر عمرانی دهها سال عقب انداخت. رژیم خلقی خمینی مدعی است که از نظر عمرانی به روستاها بر کردستان رسیدگی کرده است. مردم کردستان شاهدند که جهاد سازندگی ایخوان جهاد ویرانگری رژیم خمینی در گورستان در هر روستایی که جاده و برق کشیده است قبل از اینکه به سرزای

تلگراف مسئول شورای ملی مقاومت ایران به رئیس جمهور پاکستان

آقای ضیا الحق رئیس جمهور پاکستان،
با تاسف بسیار از جنایت‌های فجیع تروریستی‌های خمینی علیه پناهندگان بیدفاع ایرانی و هواداران مقاومت ایران در گواچی و کوئته مطلع شدم. این جنایت‌ها که در خانه‌های مسکونی بیکناهان صورت گرفته تنها میتواند یاد آور کشتار پناهندگان اردوگاه‌های فلسطینی باشد. لکهای سپاه و فراموش ناپذیری در تاریخ روابط ایران و پاکستان که جز با اقدام قاطع دولت و مقامات قضایی و پلیس کشور شما در تعقیب و مجازات تروریست‌های خمینی جبران نخواهد شد. زیرا واضح است که در چنین شرایطی مردم ایران از خود می‌پرند که انجام همزمان یک چنین حملات و جنایات گسترده‌ای آنهم در دو شهر (که لغزات و تسلیحات زیادی در آن بکار رفته) چگونه ممکن است بدون برخورداری مهاجمین از تسهیلات ویژه‌ای در کشور شما صورت گرفته باشد؟ ضمن اعتراض شدید به آزادی عمل تکفرت انگیز تروریست‌های صادراتی خمینی در کشور شما و محکوم کردن حملات و جنایات امروزتان بر علیه قربانیان بی دفاع سجنه اتباع کشور خودتان. از سوی مقاومت عادلانه مردم ایران برای تسلیح و آزادی یادآوری می‌کنم که ما امنیت و حفاظت کلیه پناهندگان و هواداران مقاومت و فراریان از جهل و جنگ و سرکوب خمینی را بر عهده دولت شما میدانیم. لذا امیدواریم که کار بجایی نرسد که پناهندگان ایرانی ناگزیر شوند اما حفاظت از خودشان را عهده‌دار شوند. بار دیگر به تأکید دستگیری و کتفرت جنایتکاران و هم‌دستان را خواستارم. مسئول شورای ملی مقاومت ایران

مسعود رحوی
۱۷ / تیر / ۱۳۶۶

اخبار کوتاه

از صفحه ۳
تظاهرات‌ها پخش گردید. در شماره قبل نبرد خلق چاپ شد. همچنین توسط واحد فدایی شهید منصور اسکندری، به‌مناسبت ۳۰ خرداد، اعلامیه‌ای در تهران پخش گردید که در این شماره از نظر خوانندگان نبرد خلق می‌گذرد.

روز ۱۹ زوئن اسال برابر با ۲۹ خرداد، به مناسبت بیستین سالگرد اشغال کرانه غربی رود اردن توسط اشغالگران صهیونیست، تظاهراتی در امریکا در مقابل کاخ سفید برگزار گردید. در این تظاهرات علاوه بر نمایندگان انقلاب فلسطین، نمایندگان نیروهای انقلابی امریکای جنوبی سخنرانی نمودند. رفقای هوادار سازمان در این تظاهرات شرکت نمودند و اعلامیه‌ای که بیان‌کننده اوضاع و شرایط فعلی کشورماست را پخش نمودند که مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

"بنام صلح"

در تاریخ ۶ زوئن اسال، اعلامیه‌ای تحت عنوان "بنام صلح" از طرف عده‌ای از دانشجویان و هنرمندان ایرانی مقیم فرانسه که خود را "جنبش برای صلح بین ایران و عراق" معرفی کرده‌اند، منتشر شده اعلامیه ضمن برشمردن آثار و نتایج زیانبار جنگ خواستار تلاش گسترده برای تحقق صلح در جنگ ایران و عراق گردیده است.

پس از چهار سال پیروزی ما - تلاشی باند تبهکار از صفحه ۱۲

اکنون پس از چهار سال این باند واقعیت آشکار است که ما از این مبارزه سیاسی، سرفراز بیرون آمدیم و بر عکس باند کامیابی - زهری دچار شکست هزای متعقد گردیدند تا جایی که در حد تبهکاران سقوط نموده و اخلاقا نیز به انحطاط کامل دچار شدند. امروز پس از چهار سال ما با بافشاری بر اصول انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و با اتخاذ خط مشی انقلابی به باند جریان تثبیت شده در جنبش انقلابی و کمونیستی ایران تبدیل شده و برعکس باند کامیابی - زهری، هر روز به قهقرا نزول کردند. محالو صرف در این مبارزه سیاسی، ما همواره به اخلاق انقلابی و پرنسب‌های کمونیستی پایبند بوده و همواره مصالح و منافع جنبش انقلابی مردم ایران را بر منافع گروهی و سازمانی خود ترجیح دادیم. اکنون باید اذعان کنیم که در این مبارزه ما اخلاقا هم پیروز شدیم بطور مثال هنگامی که در خرداد ماه اسال توکل از جانب حسین زهری جنایتکار مورد تصفیه قرار گرفت، ما با یاد اینکه توکل، ثورسین تمام تبهکاری‌های این باند است، او را در مقابل راه بازگشت نسز قرار داده بودیم. اما توکل نتوانست از لجن زاری که در آن قرار گرفته بود، بیرون آید. وی منافع حقیرانه باند متلاشی شده خود را بر منافع کل جنبش ترجیح داد. با اینکه موضع‌گیری اخیر ما مورد انتقاد و سوال تعدادی از دوستان و رفقا قرار گرفت، و با اینکه توکل باز هم نتوانست از توهم پراکنی و خاک بر چشم توده‌ها باثباتن خودداری کند، اما او مجبور شد قبول کند که اقدامات ارتجاعی و ضد انقلابی این باند در بهار سال ۶۵ در پاریس در محل اقامت مسئول شورای ملی مقاومت، همسویی با استعمار بوده است. جنبه دیگر شکست اخلاقی این باند تبهکار فروغ‌گویان مدوام گردانندگان این باند یعنی زهری و کامیابی است. دنیای تبهکاران واقعا هم بدبختی است. در حالی که بگذر را بخاطر نقب مصوبات گنگره اول مورد شتمان و تملیه قرار میدهند

جنایت رژیم خمینی

مدتی قبل آقای حمید بهمنی نماینده حزب کنار ایران در خارج از کشور در جریان یک مسافرت به اطریش برای تماس با یکی از افراد حزب کار ایران به اطریش آمده بود. تا بید می‌شود، خانواده و دوستان وی این امر را بی‌گیری می‌نمایند. این بیگیری که از ماه به اسال جریان داشت، تاکنون بدون نتیجه می‌ماند. تا اینکه در اواخر این ماه پلیس اطریش، جید او را در یک خانه در وین، که توسط فردی که از ایران به اطریش آمده بود اجاره شده بود، پیدا میکنند. اسناد مربوط به آقای حمید بهمنی و ماشین سواری وی را فردی که برای تماس از ایران آمده بود، با خود برده است. بدین ترتیب مسلم است که دست فرد تماس گیرنده بطور مستقیم، با غیر مستقیم در این جنایت وجود دارد. و عامل اصلی آن رژیم تروریستی خمینی می‌باشد. ضمن محکوم نمودن این اقدام تروریستی جنایتکارانه، فقدان این شخصیت مبارز را به خانواده و دوستان او تسلیت می‌گویم.

پیروزی باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری



همواره مورد تجاوز قرار می‌گیرد. در مقابل رزمندگان دلیر مقاومت انقلابی ایران راه درخشان مبارزه مسلحانه انقلابی که رفیق حمید اشرف یکی از مدافعان جدی آن بود ادامه می‌دهند.

حوادثی که پس از شهادت رفیق حمید برای جنبش کمونیستی و سازمان پیشاتر فدایی بنیاد استون فقرات آن پیش آمد در سبای گرانبهای برای کمونیستهای انقلابی ایران بر جای گذاشت. در سال ۶۲ بر اساس جمع‌بندی این تجربیات برنامه (هویت) فدایی اعلام شد و از آن زمان تا کنون سازمان، علیرغم شمس فشارها، سرفراز و پرفرور به راه درخشانی که رفقای همچون حمید آنرا بنا نهادند، ادامه می‌دهد. پرچم خونین و بزرگوار آن که رفیق حمید و هم‌زمانش آنرا برافراشتند، امروز بوسیله سازمان پیشاتر فدایی یعنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) حمل میشود و راهبر شکوه مبارزه مسلحانه انقلابی برای ناسودوی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار صلح و سوسیالیسم دمکراسی و استقلال، که رفقای همچون حمید آنرا بنا نهادند، اکنون بوسیله رزمندگان دلیر سازمان ما ادامه می‌یابد و این عمیق‌ترین و ماندگارترین پیوند با رفقای شهید فدایی است. به نقل از نبرد خلق شماره ۲۵

او نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و عضو اولین مرکزیت چریکهای فدایی خلق شد. طی سال ۵۰ بسیاری از عملیات را رهبری کرد و پس از ضربات سال ۵۰ با وجود تعداد کمی از رفقا که دستگیر نشده بودند، سازمان را باز هم احیا کرد و به پیش برد. رفیق حمید اشرف در جریان تطبیق تشکوری

۸ تیر یادآور روز قهرمانی و جسامت رفقای فدایی است. در سال ۱۳۵۵ در چنین روزی رفیق حمید اشرف به همراه ۹ فدایی دیگر در بیکار مسلحانه با مزدوران رژیم شاه و ساواکهای مزدور به شهادت رسیدند. بیکار قهرمانانه‌ای که در منطقه مهر آباد جنوب تهران اتفاق افتاد از سببه دم صبح ساعت ۴

بیاد رفیق کبیر حمید اشرف

و براتیک سازمان با شرایط متحول جامعه بسیار کوشید و دستاوردهای گرانبهای داشت. وی بسلک سازمانده و برنامه ریز بسیار کارا و یک انقلابی پر شور بود. متأسفانه رفیق حمید به نقش حساس خود بخوبی واقف نبود. او که فکر می‌کرد سازمان فدایی آنچنان پا گرفته که هیچ جریان حیات رو به رشد آنرا تهدید نمی‌کند، به توصیه‌هایی که از درون سازمان و زندان به وی برای خروج موقت از ایران می‌شد توجه نشمود و سرانجام او را با یک رشته عملیات پیچیده به مخفی گاه او پنی برد و او را به شهادت رساند. شهادت رفیق حمید برای سازمان و جنبش کمونیستی ضایعه‌ای بسیار بزرگ بود. پس از شهادت رفیق حمید، سازمان بجز دوران بسیار کوتاه قبل از قیام ۲۲ بهمن، نتوانست نقش خود را در جریان تحولات جامعه ایفاء کند. ما که امروز برای احیاء نقش برجسته سازمان پیشاتر فدایی می‌کوشیم، بخوبی فقدان چنین رفیقی را با تمام گوشت و پوست خود احساس می‌کنیم. سالروز شهادت رفیق حمید را در گرامی‌گرای می‌داریم که رژیم ضد انقلابی خمینی بر کشتار انقلابیون ادامه می‌دهد، جنگ خانمانسوز را همچنان ادامه می‌دهد، فقر و بی‌خانمانی در توده‌ها موهما می‌کند، کارگران ایران بطور روز افزون از کار بی‌کار می‌شوند، زمینکشان ایران زیر بار انواع اخاذی‌ها و تیرگرانی احساس اولیه کمزشتان زیر بار زندگی هر روز خم‌تر می‌شود. خلقهای ایران زیر ستم رژیم قرار گرفته و خلق کرد

ساعت ادامه یافت و این مبارزه قهرمانانه سرعت در تمام شهر تهران انعکاس پیدا کرد. روزنامه‌های آتروز تهران هر کدام چندین بار زیر چاپ رفت. تنها کیهان ۴ بار چاپ شد. خبر شهادت حمید و بازآشت موجی از تاجر و اندوه در سراسر ایران ایجاد کرد. حمید برای مردم ایران یک افسانه شده بود. او بارها تور پلیس را با جسامت باره کرده بود و از محاصره انبوه مزدوران رژیم گریخته بود. ولی این بار رژیم نیروی وسیعی برای محاصره خانه‌ایکه حمید برای یک نشست سازمان آنتب در آن محل اقامت داشت گسیل کرده بود.

رفیق حمید اشرف تنها رفیقی بود که وقتی زنده بود به او کبیر اطلاق می‌شد. وی از طرف رزمندگان فدایی بعنوان رهبر سازمان شناخته می‌شد. زندگی سیاسی و انقلابی او از سالهای ۳۹ آغاز شد. وی قبل از سال ۴۶ به عضویت گروه پیشاتر جزئی - ظرفیتی انتخاب شد و در جریان ضربات سال ۴۶ و ۴۷ به گروه پیشاتر جزئی - ظرفیتی، وی در جریان احیاء تشکیلات گروه نقش برجسته‌ای بعهده گرفت. در سال ۴۸ و ۴۹ او در جریان سازماندهی شاخه جنگل کسروه نقش تعیین‌کننده‌ای ایفاء کرد و هنگامی که تیم جنگل به رهبری رفیق کبیر علی اکبر صفای فراهانی در جنگل‌های شمال مستقر شد، حمید رابطه کسوه و شهر را بعهده گرفت. در جریان ضربات سال ۴۹ وی برای احیاء تشکیلات سازمان تلاش بسیار موثر نمود. در جریان ادغام با گروه پیشاتر رفقا پویان - احمدزاده

بنیاده شورای ملی مقاومت

از غزیمت مسعود رجوی به عراق، پس از شکست تمام توطئه‌ها و ماجراجوییهای ردیلانه عمل رژیم در منطقه و اوجگیری نوین جنبش مقاومت مسلحانه رژیم در چنان تنگنایی افتاده که، به رغم همه رجزخوانیها و تبلیغات کاذب و توخالی‌ش، مجبور شده است جبهه‌های جنوبی جنگ را تعطیل کند و نیروهای خود و مزدورانش را در جبهه شمالی تمرکز دهد، به این امید که از گسترش عملیات مقاومت بکاهد. اما در مقابل، ارتش آزادیبخش ملی نه تنها با حملات برق‌آسای خود پایگاههای رژیم در نوار مرزی را جارو می‌کند بلکه در کنار کشتار جبهه‌های جدید و آماده روماروس مستقیم با مزدوران رژیم در تمام طول نوار مرزی و همه نقاط ایران است.

بدین ترتیب امسال می‌توانیم بگویم که از نظر استراتژیکی "آخرین گام برای ورود به خاک میهن" با موفقیت تمام برداشته شده است و از این پس به

جسم اندازی نزدیک می‌شویم که، استمرار و ارتقاء تاریخی قیامی است که در سی تیر ۱۳۳۱ به استقرار سجد حکومت ملی دکتر مصدق انجامید. در این چشم انداز پر شکوه و در ششمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت، ما به همه شهیدان و ایسران و به همه رزمندگان راه آزادی و استقلال ایران درود می‌فرستیم و یقین داریم که جانبازی و فداکاری همه این فرزندان گرانقدر منهن به زودی به ثمر خواهد نشست.

محل ایفاء: استادن متعمده دانشگاهها و مدارس عالی کشور جبهه دمکراتیک ملی ایران - هدایت الله‌متین دفتری جمعیت دفاع از دمکراسی و استقلال ایران (داد) - جلال گنجیای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) - مهدی سامع سازمان سجادین خلق ایران - محمد سیدالمحدثین کانون توحیدی اصناف - ابراهیم مازندرانی اصغر ادیبی سروش البرز کاظم باقرزاده حمید زبرگشادی هادی سببانی سنجهر هزارخانی و یک استای دیگر

انتخاب شهر نمونه از طرف رژیم

از صفحه ۱۲
جر ماندن ندارند. بطور مستمر در طول جنگ صحنه نبرد طرفین تبدیل گشته و مداوما محذوب توپ و موشک و هواپیماهای جنگنده فرار گرفته‌اند. بیگمان آنچه که برای همیشه در سینه تاریخ محفوظ می‌ماند قبل از اینکه "نمونه" بودن شهر ذرفول باشد، نمونه جنایتکارترین دیکتاتورهای قرن بیستم است که در راه اهداف ارتجاعی خود صدها هزار انسان را قربانی کرده و موجب ویرانی صدها شهر و آوارگی میلیونها نفر گشته است. ایستاد جنایات این جنگ خانمانسوز، ویرانی صدها شهر چون ذرفول آنچنان گسترده و دلخراش است که برای هر شاعر و ادیب و داستانیس و فیلم‌سازی که بخواهد در شعر و منظومه و داستان و فیلم چهره دیکتاتوری را بنمایش گذارد "نمونه" است.





مبارزه ما متعلق به همه کسانیت که در افریقای جنوبی زندگی می‌کنند

مصاحبه رادیو هاوانا (کوبا) با همسر ماندلا

متن: گرانما
جاپ: کوبا - هاوانا ، شماره ۲۶
تاریخ: ۲۹ ژوئن



به مقدساتش ، نقش ابتدایی‌ترین حقوق انسانی ، ولی واضح است که دولت حاضر به هیچگونه تغییر دیگری نبوده و نیست ما نمی‌توانستیم در قبال ستم از جانب یک اقلیت سکوت کنیم ، ما طریق شرافتمندانه‌ای که پیش روی قرار داشت بناچار برگزیدیم و آن مبارزه مسلحانه بود .

همه ما می‌گوئیم دیگر نمی‌توانیم گونه دیگریمان را بدهیم ، شما تمام این سالها بر ما تازیانه ستم نواختید ، از آن پس دولت نه تنها بصورت فردی به ما حمله می‌کورد بلکه در واقع شهرهای ما را اشغال نمود و مرتکب زشت ترین تجاوزهایی گردید که تا کنون در هیچ کشوری بوقوع نیبوسته است . ما راه حل صلح آمیزی برای حل این مسئله نمی‌یابیم چسز اینکه رژیم نژاد پرست سلطه اقتصادی خفه شود برزوله شود .

گلیانهای خارجی ما را در جنگمان تشویق می‌کدارند و ناامیدکننده سلاحهایی هستند که هم روزها ما را بخاک و خون می‌کشد ، هرگاه یک ناسوت را باضین می‌کداریم ، هرگاه بگیره‌های ما را از روی سنگفرش خیابانها جمع آوری می‌کنند ، ما میدانیم که متحدین این حمام خون امریکا و انگلیس هستند ، ما هیچ راه دیگری ، هیچ چشم انداز فایسبل زستی بجز تحریم های اقتصادی تلمه کشورمان و عدم همکاری با آن پیش روی خود نمی‌بینیم . از این طریق رژیم اقلیت برانو در خواست آمد و برای اولین بار ما دیدیم رژیم افریقای جنوبی در برابر محدودیت های کشور عکس العمل نشان داد تنها به این دلیل که کینه پولش در حال خالی شدن بود و سرمایه پولیش شدت آسیب دید .

سوال: در شرایطی که مبارزه در داخل کشور نشان در حال اوج گیری است ، در سالگرد قتل عام کودکانان سووتو ، جنبش همبستگی بین المللی چه قسمی برای مردم افریقای جنوبی دارد ؟

جواب: ما اگر فاقد اخوت و وحدت می‌بودیم ستم مظمشم که نوع انسان به ما به عنوان یک انجمن ضد اخلاقی می‌نگیست . اگر این چنین شجاعتی در مبارزه علیه آپارتاید داشته‌ایم بدلیل این است که حمایت جامعه بین المللی را در پشت سر و کنارمان داریم ، همچنین کشورهایی که با مبارزه دردنالك ما همسردی میکنند مانند کوبا ، شما ما را در ادامه مبارزه علیه آپارتاید و علیه ماضین نظامی اش کمک کنید ، حتی بچه‌های ما برای کسب آزادی علیه یکی از مسلح ترین ارتشها در جهان ، تشویق می‌گردند ، بچه‌های ما ، خواهران و برادران محاصره شده ما ، مبارزاتشان را علیه تسلیمات نظامی با دستهای خالی ادامه خواهند داد .

وینیه ماندلا ۲۴ سال پیش برای اولین بار توسط رژیم آفریقای جنوبی توقیف شد ، از آن زمان تا کنون همسرش نیز در زندان بسر میبرد ، توقیف یک قانون سفور در رژیم آپارتاید می‌باشد که بدین معنا که از کلیه تماس های اجتماعی محروم می‌گردد ، یک شخصی باید از انظار همسایگان و دوستانش ناپدید شود ، عقایدش را مخپوس کند ، اندیشه‌هایش را خفه نماید ، همسر ماندلا از حرف زدن با بیش از یک نفر در یک زمان ممنوع گشته است ، از بیان نظراتش نسبت به آپارتاید بطور مطلق منع شده است ، و از زندگی در خانه خودش در ژوهانسبورگ ممنوع گشته است ، اما با این وجود اینجا جایی است که ما او را برای این تکلمه تلفنی پیدا کردیم .

سوال: وضعیت حکم توقیف اخیر شما چگونه است ؟
جواب: تا آنجایی که به دولت مربوط میشود همیشه توقیف بوده‌ام ، با این تفاوت که اینبار در خانه خودم هستم و از محدودیتهای فیزیکی حکم توقیفم بی اطلاعم . آنها تلاش میکنند مجددا وجود مشخصی از حکم توقیف مرا تحمیل کنند ، بنا بر این دولت بطور کامل از آنچه بر من و مردم اعمال میکنند واقف نیست ، تا جایی که به آنها مربوط میشود من توقیف هستم .

سوال: کسانی امثال ریگان و ناچر به جامعه بین بین المللی گفته‌اند که قدرت بونا در حال تغییر است و استحاله است و آپارتاید در حال مرگ میباشد ، رفقم‌ها ادامه دارند .

جواب: آنها از کاج های راحشان جریانات را بیسان میکنند و تنها در حرف مایه می‌پردازند . آنها مانند ما که هر روز در کورستانها مشغول دفن اجساد مردمان هستیم نیستند . آنها از زاویه منفعت طلبی و تجارت پیشگی به ما می‌نگرند و خواهان خوشبختی مردم ما نیستند بلکه نیکه گاه و حامی پروتربا هستند و عامل بغای این رژیم نژاد پرست ضد اخلاقی می‌باشند . تا زمانی که آپارتاید جنبش بین المللی دارد قدرتمندترین کشورها در دنیای غرب امریکا ، بریتانیا و ... رژیم نژادپرست اعمال غم انگیز ترین تجاوزها به حقوق نوع انسان که تا کنون ادامه داشته است را ندوام خواهد بخشید .

سوال: خانم ماندلا ، آیا تحریم های اقتصادی جهانی علیه افریقای جنوبی قادر به پایان بخشیدن آپارتاید خواهد بود ؟

جواب: قطعاً ، این تحریم ها تنها روزنه‌های صلح هستند که بروی ما باز هستند ، ما فطرتا مردان صلح طلبی هستیم ، تا سال ۱۹۶۰ انگیزه ملی افریقا علیه دشمنان ما قیام نگرده بود ، تا آن مرحله انسان سیاه نژاد پرستی را تحمل می‌کرد ، زشت ترین توهین ها

سوال: دوشنبه سالگرد قتل عام سووتو خواهد بود چه برنامه‌ای برای این روز دارید و چه تفاوتی بین سووتوی امروزی و سووتوی ده سال پیش وجود دارد ؟
جواب: حزب ، سووتوی ۱۹۸۶ شاید حتی غم انگیزتر از سووتوی ۱۹۷۶ می‌باشد . همانطور که همه ما واقفیم در سال ۱۹۷۶ عکس العمل خود بخودی مردم نسبت به تشییقات اقتصادی بود که علیه آنها اعمال میشد ، مردمی که همچنان بر درهای بسته پروتربا می‌کوبند ، رژیم اقلیت نژادپرستی که آماده نبود و نیست که به درخواست های مردم تحت ستم ما گوش فرا دهد ، چه اتفاقی افتاد؟ مبارزه طولانی‌تر شد ، مبارزه بیگسیر که با فداکاری و ایشار از جانب اعضای جامعه عجین بوده است ، در تمام ستم و نه فقط کودکان ، این يك سناریوی بسیار دردناك است که باید با سیستم و نظاره‌گر بنا حق ریخته شدن خون مردمان باشیم ، ریختن خونها بوسله کسانی که هیچ علاقه و توجهی به ارزش زندگی ما ندارند .

مبارزه در سال ۱۹۸۶ بسیار شدیدتر از ۱۹۷۶ است دولت زبدمترین نیروهایش را مجهز کرده است و به تصویب هر چه بیشتر قوانین محدود کننده ادامه داده است ، حقیقتا ما هم اکنون در موقعیتی هستیم که در آن مردم تحت ستم ما ، باستی به این حقیقت تن در دهند که یک رژیم اقلیت آنها را به مبارزه ظلمیده است ، من ستادم از اینکه ۱۶ ژوئن ۱۹۸۶ ممکن است حتی بدتر از ۱۹۷۶ باشد ، زیرا ما هیچ راهی جهت دستیابی به خواسته‌هایمان را نمی‌بینیم ، حق برگزاری عزاداری بصورت با شکوه برای مرگ هزاران تن از مردمان را نداریم ، ما حتی نمی‌توانیم به صورتی آرام و صلح جویانه عزاداری کنیم ، رژیم اقلیت باید جگرنگی میان شعارمان را برانسان تعیین کند ، دولت در مبارزه‌اش بیش از حد جلو رفته است .

سوال: من از طریق سرویس های تلگراف بین المللی فهمیدم که دو دانش آموز سیاه و سفید طی اعتصابی در میان خواسته‌هایشان آزادی نلسون ماندلا و پایان فرهنگ آپارتاید را خواستار شده‌اند .

جواب: بله حقیقت دارد که هر دو دانش آموز سیاه و سفید در حال جنگیدن بخاطر عقایدشان بوده‌اند ، اگر چه ما مشکلات معمول را داریم که ناصبی از اندیشه آپارتاید است یک اقدام طبقاتی را تقسیم میکند ، گروهها را تقسیم میکند و تاکید بر روی رنگ پوست و جلد دارد ، ما اکثریت دانش آموزان است که ما بخاطرش می‌جنگیم و ما از اینکه سطح آگاهی در میان دانش آموزان سایر رنگها بالا رفته خشنود بوده‌ایم ، و همانطور که میدانید ما هیچ اندیشه‌ای حاوی چنین تبعیض هایی از قبیل نژادست و رنگ و غیره نداریم .

مبارزه ما مبارزه‌ای برای تمام آنهاست که در این کشور زندگی میکنند و تحت ستم بوده هستند همانند ما .

سوال: آیا شما میدانید که پشاهانگن کوبا پولسی جهت بازسازی منزلتان جمع آوری کرده‌اند ؟

جواب: من خیلی همچان زده هستم ، واقفم که کشور شما يك کشور ثروتمند نیست و سدانه که آن چه

۳. خرداد قیام برای رهایی مهدی ساج

راه فدایی قسمت دوم

راه فدایی يك محفل روشنگری شوریه بود كه كار عملی سیاسی اش در پیرامون جریان انقلابیست میگذشت. از مدتی قبل از ۳۰ خرداد ارتباط این محفل با جریان اقلیت قطع شد. پس از ۳۰ خرداد این محفل تصمیم به كار عملی سیاسی گرفت و چند اعلامیه داد كه در اینجا ما به دو نمونه آن اشاره میکنیم. مضمون این اعلامیهها تا حدی تحریکات ۳۰ خرداد و حرکات بعدی آنست. اما پس از آنكه تمامی افراد این محفل سلامتی به خارج از كشور آمدند، بدون هر گونه برخورد انتقادی با خود، به مخالفت و ستیز با جنبش مسلحانه انقلابی برخاستند و پس از مدتی در راه كارگر ادغام شدند. ایند نمونهها:

"در ۳۰ خرداد رژیم پس به حقیقتی تازه برد كعبیگر قعه بدستان و قذافیان حزب الهی قادر نبودند از پیسی نظاهارات چند صد هزار نفری انقلابیون برآیند. آتش سیل خروشان ۳۰ خرداد خیابانهای تهران را در نور دیده و حاكمیت نیروهای مردمی در چند خیابان، برای ساعتی چند برقرار شد. ۰۰۰۰ تحت چنین شرایطی مجاهدین خلق و برخی از نیروهای انقلابی دیگر، دست به عمل متقابل زدند و قهر را در مقابل قهر بكار گرفتند. در شرایطی كه ارتجاع با زبانی جز گلوله سخن نمیگوید، محفل دست بردن به سلاح و گلوله را با گلوله پاسخ گفتن را نمیتوان از هیچ فرد انقلابی دریغ داشت. مجاهدین با عزم سرنگونی رژیم به تانك تيك مسارزه مسلحانه شهری دست زدند و موج ترویر جامعه را در بر گرفت. سرنگونی جمهوری اسلامی هدف مقدس این مرحله از انقلاب است. راه تكامل انقلاب بهمین ما، از خرابیهای این رژیم میگذرد. از این رو عزم مجاهدین در هر انقلابی راستیین حسن تاكید را بر میانگیزد. بنا بر آنچه آمد ترویر اشخاصی چون بهشتی با ما هنر برای این رژیم جبران ناپذیر است و علمبرگ فریادهای "ایران پر از بهشتی است" واقعیت امر را باید از ضمههای آسای رفسنجانی در خصوص خدمات این "فاجعه" دریافت. بنا بر این، با توجه به توان ناچیز نظامی رژیم (سپاه پاسداران و كمیته چپها) در صورت ادامه این ترویرها از جانب انقلابیون و وارد باشیده شدن نظام، كاتلا وجود دارد." (اعلامیه راه فدایی، ۱۵ مهر ۱۳۶۰ تهران)

"هوظنان مبارزه، عمر رژیم روحانیت حاكم بسر آمده است. انقلابیون جان پر گل مهین دركیمر نبردی بی امان با این رژیم قرون وسطائی اند." (اعلامیه راه فدایی ۱۵ آبان ۱۳۶۰ - تهران)

سازمان پیکار

این سازمان پس از ۳۰ خرداد تازه بفكر مسارزه برای دمكراسی سیاسی افتاد. امری كه بعلت تناقض با مضمون اپورتونیستی این سازمان نه فقط پیشرفتی نداشت، بلكه این سازمان را به تلاشی قطعی و نهایی كشاند. در مورد این سازمان فقط اسناد به يك مورد و آنهم در مورد انقلابی بودن عملیات مسلحانه كافیست، توجه كنید:

"تریددی نیست كه این ترویرهای انقلابی، ضربات جبران ناپذیری بر پیکر ضد انقلاب حاكم وارد آورده و وارد میآورد. این عملیات در سطح بسیار وسیعی جریان دارد و شباهت چندانی با عملیات و ترویر يك گروه انقلابی محدود ندارد." (پیکار ۱۱۸ - مقاله انفجار در نخست وزیری، و ضعف و رمونی رژیم خمینی - شهریور ۶۰)

منظور از فكر این نمونهها اینست كه سادآوری گسه كه خط آقای بنی صدر نیز سود كه با طولانی

شدن مبارزه، علمیه مشی انقلابی قیام كرد. آقای بنی صدر نیز روزی اهمیت عملیات مسلحانه را كاملاً میدانست و حتی با تاكید بر اینکه نابودی چندین نفر دیگر كار را تمام میکند، آنرا تاكید میکرد. ولی وقتی سرنگونی در زمان نزدیک مقدر نشد با باید الزامات رشد مبارزه را پذیرفت و بهای آنرا كه خون و زحمت و رنج است پرداخت و یا علمیه آن ردمه نوشت

حزب توده و جریان موسوم به اکثریت

در اینجا برای اینکه هیچگونه حقی از حزب توده و جریان موسوم به اکثریت - بمنابته متحد حزب توده - باهمال نشود، مروری بر مواضع این دو جریان نیز لازم است. زیرا آنها كاملاً در مقابل حرکت ۳۰ خرداد و در جبهه مقابل آن قرار داشتند. آیا منطق توده ایها كه میگویند حرف مرد هزاراست، این مواضع را هم شامل میشود؟ باید دید. شاید هم حزب توده باز هم مدعی شود كه ما حرف هایش را تحریف کرده ایم، در حالیكه هر چه در مورد حزب توده گفته ایم، حتی يك نقطه آنرا پس و پیش و با حذف و اضافه نكرده ایم. بعلاوه حزب توده كه با كمال افتخار از قزاق گرفتن در جبهه متحد ارتجاع بنام جبهه "انقلاب" دفاع منكره و جنبش ۳۰ خرداد و نیروهای مدافع آنرا ضد انقلاب می نامید، چه اصراری دارد كه خود را پیش این ضد انقلابیون وابسته به "امپریالیسم"، بی گناه جلوه دهد؟ چه كسای زیر این نیم كاسه وجود دارد؟ حزب توده و جریان موسوم به اکثریت نمیتوانند از این وضعی كه انقلاب برای آنها بوجود آورده راضی باشند. از این جهت است كه از انتشار صریح خودشان نیز معیسی میشوند. بهر حال مروری بر مواضع آنها نیز لازم است. توجه كنید:

"به دنبال اعلام قیام مسلحانه رهبری مجاهدین جبهه متحد ضد انقلاب در خیابان ها سنگر بسدی كرد. ضد انقلابیون با سلاح های گرم و سرد بسه پاسداران حمله كردند و جنگ خیابانی در گرفت. در این نوظه ۱۱ نفر از پاسداران شهید و تعدادی از ضد انقلابیون كشته شدند." (ص ۲۷۹ كتاب چهل سال) ما: "رهبری خائن مجاهدین خلقی روز ۳۰ خرداد ۶۰ علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام قیام مسلحانه كرد. از آنروز تا ۱۵ مهر ۱۳۶۰" یعنی درست ۲ ماه و نیم، لیبرالها در برابر همه جنایات، توطئهها و ترویرهایی كه بدست جبهه متحد ضد انقلاب و در قلب آنها رهبری خائن مجاهدین خلق انجام شد، سكوت كردند." (اتحاد مردم، نشریه حزب توده، شماره ۱۱۰ - ۱۲ دی ماه ۱۳۶۰)

بدین ترتیب حزب توده كاسه گرم كسر از آش میشود و از اینکه بازركان و لیبرالهای امثال او موضعی مثل حزب توده نگرفته اند متحشم می آید. حزب توده خوب میفهمد كه بازركان بهمان علت موضع صریح نگرفت، كه امروز حزب توده نمیتواند بسه صراحت قبلی علمیه جنبش ۳۰ خرداد، موضع بگیرد. ما: "در واقع نیز ترویرست ها كه بعد از خوردن ضربات كاری از انقلاب، از آخرین نیروهای خسود استفاده میكنند، برآیند تا با این تشبیهات و جنایات مانع از روند تثبیت انقلاب شوند. در این روزها، كه بدنیال فرمان امام خمینی تلاش وسیعی بسرای حاكمیت قانون آغاز شده، فعالیت ترویرست ها كه عمال سیا و ساواك و مجاهدین فریب خورده مجریان آن هستند، تشدید شده است. متحد ضد انقلاب كه در حاكمیت قانون، مركز نزدیک خود - و بسوزه عمسال

نقابدار - را حتمی می بیند، میكوشد تا به هر ترتیب مانع از استقرار قانون شود." (اتحاد مردم - شماره ۱۰۷، ۲۳ آذر ۶۰) یا

"خرداد ماه ۶۰ درست به هنگام شكست تازیبترین توطئه امپریالیسم امریكا، یعنی توطئه بانسند بنی صدر، برای تدارك و انجام توطئه های بسدی از آمادگی كامل برخوردار بود. در چنین شرایطی كه "جبهه براندازی" با سقوط و افشای سمترین مبره خود، یعنی بنی صدر، فریسه شدیدی از انقلاب ایران دریافت کرده بود، رهبری ضد انقلابی "مجاهدین خلق" نیز علم طنپیمان علیه انقلاب ایران بر افراشت و اعلام كرد كه علیه جمهوری به اقدامات مسلحانه دست میزند." (نشریه كار، جریان موسوم به اکثریت، شماره ۱۳۰ - ۱۳۶۰/۷/۱۵) یا: "روز ۳۰ خرداد ۶۰ جبهه متحد ضد انقلاب قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز كرد. رهبری خائن "مجاهدین خلق" با انتشار اعلامیه معروف به "اعلامیه سیاسی - نظامی شماره ۲۵ فرمان جمله ۰۰۰ داد." (همان نشریه، شماره ۱۲۵ - ۲۰ آبان ۱۳۶۰) و: "در واقع آیا رجوی ها و سازمان "مدافع منافع خلق" آنها كدام گام ولو كوچك علیه غارتگران و تیمانندگان سیاسی آنها برداشته اند. اما آنها تا بحال بجز كشتار و ترویر شخصیت های مسلمان مدافع منافع محرومان و دشمن سرمایه داران غارتگر، مدافع دهقانان و خشم بزرگ مالكان چپاولگر، كدام "مبارزه" را علیه كاتلان سرمایه داران و بزرگ مالكان از پیش برده اند؟" (همان نشریه، شماره ۱۲۱ - ۲ دیماه ۱۳۶۰)

نشریه امت

سرنوشت گردانندگان نشریه امت، كه جسر نیروهای جبهه متحد ارتجاع بودند، احتیاج بسه توضیح ندارد. امت نویسان اکنون مردم قهرمان ما را تنها گذاشته و با در همكاری با رژیم علمه مسوم به سرکوب مشغولند. اما موضع آنها: "مجاهدین با اتحاد خط مشی براندازی حاكمیت و توسل به ترویر عملیات های وسیع ضد انقلاب را بخود جذب کرده اند و در عمل به "جبهه ضد انقلاب" پیوسته و در صفی مقابل توده های مردم به رهبری امام قرار گرفته اند." (نشریه امت، شماره ۱۲۷ - ۶ مهر ۱۳۶۰)

آقای مهدی بازركان و شركا

بازركان از ۳۰ خرداد ۶۰ با شركت در مجلس ضد خلقی رژیم، با تاكید اعداسها و بازداشتها، و با محكوم نمودن مبارزه مسلحانه انقلابی، كاملاً در جنایت های رژیم سهیم بوده و هست. وی برای كسب وجهه در انتخابات دور دوم مجلس ارتجاع شركت نكرد. در حالی كه حملات خود را علیه مقاومت كمنگان ادامه میدهد. در شرایط كسونی و پس از چهار سال از گذشت ۳۰ خرداد ۶۰، ایشان برای احراز مقام ریاست جمهوری رژیم، كاندیدای این شغل شده اند. این خبیانت آشكار مهندس بازركان كه در جبهه مشروعیت بخشیدن دوباره به رژیم و ترویر نشوری استخاله است، حتی در صورت حذف او از كاندیداس توری، كه امکان بسیار دارد، خبیانتی در حق مردم ایران است. ما در این مقاله به مواضع رنگارنگ بسیاری اشاره كردیم. در اینجا به موضع گیریهای بازركان اشاره نمیكنیم. چرا كه عمل ضد انقلابی او در كاندیداس شدن برای ریاست جمهوری، تداوم نظرات و اعمال جنایتكارانه اوست. اعمالی كه از ۳۰ خرداد با تاكید اعداسهای انقلابیون و ۰۰۰ و با شركت در انتخابات رژیم، آنهم در چهارمین سال این مقاومت خونین و پر شكوه، نشان دهنده عزم مهندس بازركان و شركا، برای مقابله ضد انقلابی با مقاومت و انقلاب مردم ایران است و بناچار همان پاسخی را دریافت

مطبوعات خارجی

فداکاری و ایثاری است. شکست انگیزتر این حقیقت است که این درجه از ایثار از بجهایی سر زده که من انتظار نداشتم تا این درجه از آگاهی نسبت به مشکلات عمیق ما در کشورمان باشد. تشکر از چنین بجهایی که چنین کاری انجام داده‌اند. این عشق آنهاست با قلب های پر محبتشان، عشق به بقای انسانیت که ما را در جنگ سختمان در جهت نیل به صلح و حقوق مان مساعدت خواهد کرد.
سوال: شوهر شما در ۱۸ ژوای ۶۸ ساله خواهد بود. ما دوست داریم که شما بدانید از ایستگاه رادیوسوی

ما مردم جوان و بچه‌ها، چهره‌هایی از اطراف واکناف دنیا، فرستی خواهند داشت برای فرستادن سلامها. بشان به نلسون ماندلا و سایر رهبران آ. ن. سی در زندان.
جواب: ما این صمیمیت که هزاران مایل دورتر تراوش میشود را هم اکنون احساس میکنیم. آیا این عشق و علاقه جهانی نموده، آیا این برای شما نبوده، برای تمام آنهایی که علاقمندند، برای تمام کشورهایسی که از مبارزه ما یاد میکنند. برای تمام کشورهایسی که با وضعیت ما یگانه شده‌اند با همه دردهایمان. من به سختی فکر میکنم که ما شجاعت تمام داشته‌ایم. این عشق است که کشورها نارمان میکنند

از صمیم قلب. این همان عشقی ست که به ما نیرو داده است و به تمام آنهایی که در سراسر جهان وضعت ما را دریافته‌اند. ما به آنها میگوئیم شما باید ثابت قدم باشید و این آن اخوت و برادری نسوع بشر است. این هویت خداست که ما را در این مبارزه طولانی ثابت قدم ساخته برای روزی که بتوانیم حق شناسیمان را در بالاترین سطح رو در رو وضعت قابل قبولی بیان کنیم، وقتی که دستها را بهم گره بزنیم در مبارزه مستمرمان بر دردهایمان غلبه پیدا خواهیم کرد.
سوال: متشکرم خانم ماندلا، بسیار متشکرم جواب: البته، ما پیروز خواهیم شد، دوستدار شما

تشنگ خلیج فارس و رژیم خمینی

از صفحه ۱
فارس اظهار کرده‌اند که "مدافعان خلیج فارس جان بر کفای هستند که داوطلب انجام هر گونه عملیات شهادت طلبانه علیه دشمنان اسلام و انقلابند"
در کل سیاست پان اسلامیتی و توسعه طلبانه رژیم خمینی در طول ۷ سال گذشته و تلاش این رژیم برای گسترش دامنه جنگیده خلیج فارس و استقرار موشک های زمین به دریا در سواحل آن تشنگ و بسی شمانی را به این منطقه پر اهمیت و حیاتی تحمیل کرده و باعث شده که امپریالیستها با اصطلاح برای از بین بردن بحران و تشنگ در خلیج فارس حربه پیدا کنند. اعمال جنایتکارانه رژیم خمینی بیهانه حضور نظامی امپریالیستها را فراهم کرده است. برای نمونه مدعی است که کویت با در اختیار قرار دادن تسهیلات اعم از امکان استفاده از فضا و خاک و سادر و بخصوص با تاکید بر اینکه کشتیهای کویتی تسلیمات نظامی عراق را حمل کرده و از طریق خاک خود با وسائل نقلیه این تجهیزات را به عراق حمل میکنند. کویت را در این جنگ سهم دانسته و شورو و مرور کشتیهای کویتی را با اشکالاتی سواحه ساخته و در این رابطه دولت کویت از کشورهای شوروی و آمریکا اظهار کرده تا نقشهایشان را در اختیار کویت تراز داده تا بتواند نفت خرد را به بازار جهانی ارسال نماید و با استفاده از بوجیم آمریکا و شوروی بر روی کشتیهایشان. کشتیها را از گردن رژیم خمینی در امان دارد. آمریکا هم از این فرصت استفاده کرده و ناوگانهای خود را در مناطق خلیج فارس مستقر نموده، تا در صورت لزوم مداخله نماید و از "منافع" خود حراست بعمل آورد. البته در اینجا آمریکا سعی کرده که از متحدینش برای جنور نظامی در خلیج فارس استفاده کند که جنگی آنها تا این امر مخالف بودند. در این اثنا هم ولایت وزیر خارجه رژیم خمینی در سفری که به کشورهای جنوب خلیج فارس نمود سعی بر آن داشت تا نظر این کشورها را نسبت به درلش جلب کند و عراق را مقدر اصلی تشنگ در خلیج فارس للمعداد نماید و وانعمتها را وارونه جلوه دهد، چنانچه تمیل از ترک تهران ضمن مناحمه‌ای در ۹ خرداد اظهار معذارت که " ما لازم میدانیم در فواصل نزدیک با همسایگان خود پیرامون سایل مختلف مشورتها و تبادل نظرهایی داشته باشیم."
-ران رژیم اگر چه مدعی اند که آنها نمیخواهند

۳. خرداد قیام برای رهایی

از صفحه ۱۰
می‌کند که خمینی و هم‌بالگی‌هایش دریافت خواهند کرد.
نتیجه: انقلاب در جریان تکامل خود به نقاط مهمی برخورد میکند که بدون داشتن يك ناکتیک درست و فاطح قادر به پیشرفت نخواهد بود. نقش پیرو آگاه، درک این لحظات است. روزهای قبل از ۳۰ خرداد، روزهایی از نوع روزهای مرداد ۲۳ بود. هر گونه تزلزل و تردید، انقلاب ایران را با شکست مهمی روبرو میکرد. امروز انقلاب ما، بغلست درک پیشروی آگاه در آن لحظه تعیین کننده. و بغلست طی سیرت که با خون ياك ترين فرزندان ميهن ما کلگون شده است. دوران رشد و اعتلای خود را طی میکند. ما اینرا مدیون مبارزه مایک و زندگی انقلابیون جان بر کفی هستیم. که مرگه را بر زندگی و جهل و اسارت ترجیح دادند. آنان با شهادت خود راهگشای راه‌های شدند. وفاداری ما به میراث کرانقدر جنش ۳۰ خرداد ما را در مقابل وظایف مهمی قرار میدهد. ادامه مقاومت انقلابی و سازماندهی مبارزه انقلابی توده‌ها برای صلح و آزادی. از مهمترین آنهاست. رژیم خمینی را باید با مقاومت دلیرانه انقلابیون، بسا سازماندهی مبارزه و مقاومت توده‌ها، با تمام سلحخانه توده‌های سرنگون کرد. زنان و مردان آزاده‌ای که این پیام جنش ۳۰ خرداد و شهادی قهرمان آنرا پیش می‌برند. زنان و مردان محروم و ستمدیده ميهن ما هستند که سازندگان جامعه آزاد، مستقل و دمکراتیک ایرانند. ما به این حقیقت سترگ ایمان داریم.

برخی از رویدادهای تاریخی از صفحه ۱۲

- ۱۳۲۰- تشکیل دادگاه بین المللی لاهه در رابطه با ساله ملی شدن نفت در ایران
- ۱۳۳۱- استعفای دکتر محمد مصدق از پست نخست وزیری بمنظور اعتراض به عدم موافقت شاه بسا واگذاری تصدی وزارت جنگ به وی
- ۱۳۳۱- قیام مردم ایران برای بازگشت دکتر مصدق به پست نخست وزیری
- ۱۳۳۲- اعتصاب ۱۰ روزه ۲۰ هزار تن از کارگران کوره برخانه‌های تهران
- ۱۳۵۱- شهادت مجاهد خلق غلامحسین عاملزاده، طی درگیری با مزدوران ساواک شاه
- ۱۳۵۴- اعتصاب خونین کارگران نساجی قائم شهر
- ۱۳۵۸- راهپیمایی مردم تهران در اعتراض به دستگیری مجاهد شهید محمد رضا سعادت
- ۱۳۵۸- کوچ تاریخی مردم مریوان علیه تهدیدات رژیم
- ۱۳۶۶- انفجار خشم خلق در دفتر حزب جمهوری اسلامی و معدوم شدن حدود ۱۰۰ نفر از سران رژیم
- ۱۳۶۰- تاسیس شورای ملی مقاومت، تنها الترنا تیبو رژیم خمینی
- ۱۳۶۱- عملیات انتحاری فدایی و مجازات صدوقی ۲۰۰ تن در بزد
- ۱۳۶۱- شهادت مبارز برجسته و با سابقه بیوزن چهارازی از سازمان کومله
- ۱۳۶۲- اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- خارجی:
- ۱۷۸۹- فتح باستیل و پیروزی انقلاب کبیر فرانسه
- ۱۹۳۶- آغاز جنگ داخلی اسپانیا
- ۱۹۴۱- حمله ارتش هیتلری به اتحاد شوروی
- ۱۹۵۰- آغاز تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به جمهوری دمکراتیک خلق کره
- ۱۹۶۲- استقلال الجزایر و تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر
- ۱۹۶۹- تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن
- ۱۹۷۵- پیروزی جنبش رهایی بخش مردم موزامبیک علیه استعمار پرتغال
- ۱۹۷۹- پیروزی انقلاب نیگاراگوئه به رهبری جنبه ساندینیست
- ۲۶ ژوش- روز همبستگی با مبارزه مردم افریقای جنوبی علیه آپارتاید

مهدی سامع خرداد ۶۴

خلیج فارس دچار بحران گردد و امنیت این آبراه به خطر افتد، اما آنچه واقعیت دارد با آنچه که رژیم مدعی آنست در تضاد دارد. امروز هر کسی که حداقل پیش سیاسی داشته باشد میدانند اگر امروزه آمریکا با مزاحمت اعلام میکند که براین حفظ منافع خود و متحدانش در خلیج فارس حاضر به پرداخت بهای زیادی است نتیجه تداوم این جنگ ارتجاعی و ضد انقلابی است. در سایه رژیم جنگ طلب خمینی منطقه خاورمیانه بیش از همیشه برای دخالت امپریالیسم امریکازمنده دارد. عبور ناوگان امریکا از منطقه خلیج فارس بر سریدن آن به آبهای کویت، بدون هرگونه مزامحتی، این حقیقت را ثابت کرد.

شهادت فدایی تیر ماه

برای فتح قله‌های
پر صلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به بربری؛
یا هرگز یاسیزوی.

رفقا: محمد کاظم غم‌نراش، بهمن راست خدیو، محمد علی خسروی اردبیلی، نسترن آل‌آنا، گلرخ شهروزاد مهدوی، نادر علی پور نغمه، مارتیلا قازاری، بان بزهت السادات روحی آهنگران، محمود عظیمی بلوریان، یدالله زارع کاریزی، اسماعیل بریعیان محمد رضا (امیر) قصاب آزاد، مسعود فرزانه، علی رضا الماسی، حمید اشرف یوسف قانع خشک، بهجاری غلامرضا لایق سهرمان، محمد رضا یثربی، فاطمه حسینی، محمد حسین حق نواز، طاهره خرم، عسکر حسین ابرده، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور، علی اکبر وزیر، مهدی (سپه‌دار) مسیحی محمد آریان، شهزاد امیری دوان، امیرالسادات حسینی، نادره احمد هاشمی، سیمین توکلی، علی خصوصی، کاظم صلاحی، احمد خرم آبادی، علی اکبر حق بیان، عبدالله سمعی میدختی، حجت حسینی کبیر، غلامرضا جلالی، خسرو ماشی، شفیع رضائیان علی اکبر حیدریان، سینا، حمید رضا هزارخانی



پس از چهار سال

پیروزی ما - تلاشی باند تبهکار

در تیر ماه چهار سال قبل برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران منتشر شد. در آن هنگام باند کامیابی - زهری، دست از اقدامات خود علیه خط اصولی فکری می‌گرفتند تا انجام کودتا علیه خط اصولی، خواهند توانست از بحران همه جانبه‌ای که آنان را فرا گرفته خلاصی یابند. در آنموقع باند کامیابی زهری، سا دروغ‌ها بی‌امون انجام کاسل درونی و قدرتمند بودن باند خود تحویل می‌دادند. اما در بنده ۷

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم سپهتان سازر سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه تشریح واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S. SEINE آدرس بانک

03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب

MME: R-T-TALAT نام صاحب حساب

برخی از رویدادهای تاریخی

گراسی باد خاطره شهدای قهرمان ۲۰ تیر ۱۳۳۱ که با جانمیزی و فداکاری خود، نهال آزادی را با خون خود آبیاری کردند.

۱۲۸۷ - قیام مردم تبریز علیه محمد علی شاه به رهبری سردار ملی ستارخان

۱۲۸۷ - مجلس شورای ملی بدستور محمد علی شاه به توب بسته شد، آغاز اشتداد صغیر

۱۲۸۷ - میزا جهانگیر شیرازی امیر نثر به صورت اسرافیل در فردای کودتای خونین محمد علی شاه در باقشاه تهران به دار آویخته شد

۱۲۹۹ - طی روزهای اول تا سوم تیر نخستین کنفرانس حزب عدالت در بندر انزلی تشکیل و نام حزب را به حزب کمونیست تغییر داد

۱۳۰۳ - شهادت شاعر مبارز، میرزا زاده مشقی به دست عمال رضا شاه

۱۳۲۴ - اعتماد کارگران با لاینگاه آبادان برای اضافه دستمزد

۱۳۲۵ - اعتماد کارگران نفت جنوب و شهادت ۲۷ تن و زخمی شدن ۱۷۲ تن از کارگران

۱۳۳۰ - میتینگ عظیم ضد امپریالیستی در پشتیبانی از ملی شدن نفت

۱۳۳۴ - مسافرت هریس مشاور ویژه ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا به ایران و برگزاری نظاهرات توسط حزب توده

در صفحه ۱۱

اخبار کوتاه

مردم بردشت، طی یک حرکت اعتراضی، تفر خود را از ادامه جنگ ابراز داشتند. بدنبال بمباران بردشت بوسیله هوایسهای عراقی، مردم شهر را تخلیه کرده و به روستاهای اطراف کوچ نمودند.

فرماندار جنایتکار شهر برای بازگرداندن مردم به روستاهای اطراف میزود که برای مردم سخنرانی کند. در یکی از روستاهای اطراف بردشت بنام نالی که بیشترین تعداد مردم در اینجا سکونت کرده اند، مردم دست به یک نظاهرات ضد جنگ زده و با عدم شرکت در سخنرانی فرماندار بردشت، تفر خود را از جنگ و رژیم ابراز داشتند.



سرانجام پس از یک دوره کشاکش در روابط بین فرانسه و رژیم خمینی، دولت فرانسه روابط سیاسی در صفحه ۳

برای دریافت نبرد خلق وسایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

رژیم و مسأله دانشگاه

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه میگوید: "در سال الان حدود ۶۰۰ هزار دانشجو متقاضی تحصیل عالی تو کنکور شرکت می‌کنند که اگر امید باشد قبول بشن تعداد خیلی بیش از اینهاست. و دولت با همه زحمتی که سیکته وزارت آموزش عالی و وزارت بهداشت و درمان با همه تلاشی که کنرین از همه اوقات دانشگاهها و کلاسها و اساتید استفاده کردن. در مجموع مدارس دولتی ما ۵۰ - ۶۰ هزار نفر می‌تونن بگیرن"

مسئله دانشگاه های کشور همچون کلاسی در کم گریبان کارگزاران بی کفایت رژیم جنس و جنایت خمینی را گرفته تا آنجا که به اعتراف خود این مزوران حل مسائل آن از عهده آنها بر نیاید. هزاران دانش آموز بعد از پایان رسانیدن تحصیلات متوسطه خود برای ورود به دانشگاه در کنکور سراسری شرکت میکنند اما مشکل اصلی از اینجا شروع میشود و کمتر کسی از این بن بستهای بی در پی که آفریننده آنها رژیم جمهوری اسلامیت می‌گذرد. تعداد معدودی که "صلاحیت" آنها از قبل مورد تأیید رژیم بوده در این آزمون قبول میشوند و بقیه به صف عظیم بیکاران می‌پیوندند.

انتخاب شهر "نمونه" از طرف رژیم

احیرا از سوی کمیته آموزش و تأسیس مناطق بمباران شده اطلاعیه‌ای صادر گردید که در آن اعلام شده شهر دزفول بخاطر "استقامت و باسرمه" در برابر حملات رژیم بعثتی عراق بعنوان شهر نمونه انتخاب شده است. اکنون دیگر به بدست حکمرانی خمینی باید گشت و در میان شهرهای ایران شده آنکه از همه ویرانتر است بعنوان نمونه انتخاب کرد ویرانترین شهر از میان صدها شهر و روستای ویران و نابود شده.

وزیر جنایتکار کشور در طی محامیه‌ای بدین مناسبت ضمن اراکه این ارقام که: "شهر دزفول بیش از ۱۷۱ بار آماج موشکهای دور برد زمین به زمین عراق واقع شده، بیش از ۵۱۰۰ بار بوسیله توپخانه‌های عراق مورد اصابت قرار گرفته، بیش از ۲۱۵ بار بوسیله راکت و بمب بمباران هوایی شده. بیش از ۱۴ هزار واحد مسکونی تخریب شده. بیش از ۹۱ مدرسه و مرکز آموزش در این شهر خراب شده است." علت انتخاب این شهر بعنوان شهر نمونه "را" میران خسارات و وسعت استقامت و صبر و بردباری این مردم" و ماندن زیر موشکها و حملات مکرر هوایی اعلام کرده. در مدت بیش از ۷ سالی که از جنگ ویرانگر ایران و عراق می‌گذرد بارها تا کتیف جنگ شهرها از طرف هر دو رژیم بکسار گرفته شده که خسارات و ویرانی‌ها و گشتارهای فراوانی بهمراه آورده است. لیکن شهر روستاهای ایران تنها در جنگ شهرها و ویرانی و اهالی آن با آوارگی روبرو نبوده‌اند، بلکه بسیاری از شهرهای مرزی، با وجود حضور مردم که چاره‌ای در صفحه ۸